ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع

ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س

غضبفر طبشذ زسواخ

قسم دیگر از سر و لک بجاب

غ ض ظ ق ص ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

طلحه کصدقت معجتا

حب کننده

۳۰

۸	۶	۴	۲
۴	۴	۶	۸
۶		۲	۴
۴	۲	۸	۶

۲۰

۴	۶	۴	۶
۶	۴	۶	۱۴
۶		۶	۱۴
۱۴	۶	۴	۶

[illegible]	[illegible]	۱۶	۱
۱۴	۴	۷	۱۲
[illegible]		۹	۶
۱۰	۵	[illegible]	۱۵

ب		ج
د	ه	ز
ا	ـ	ح

هو العلی

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوة علی رسوله محمد و آله

اجمعین بعد بر ضمیر منیر ارباب حکمت [illegible] علمای علم حروف [illegible] در

و رسایل که درین فن نوشته اند طریق تکسیر حروف و نتایج آن به رموز و عبارات گفته اند

و این در لغت [illegible] هر کس [illegible] و [illegible] که [illegible] تحقیق غریب و عجایب [illegible]

مکشوف کرده اند و [illegible] این [illegible] و [illegible] روی

بوش عرضه دارند و از جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] اما [illegible] نتایج [illegible]

بر هر کوکبی از کواکب سبعه [illegible] از ملائکه موکل [illegible] تا [illegible] کوکب باشند

[illegible] ل ابائیل ب بحرادح [illegible]

مس کلمیثاه ه الیموں ی آشکی رتقوائیل فصل [illegible]

از برج [illegible] از ملائکه موکل [illegible] [illegible]

بلرحمیل ا رحمائیل ب سرائیل ج بمقائیل ک سراطیل ه

رتقائیل و صماکیل ف صرصائیل خ سواطیل ط طوتا

ی حمکیائیل یا فقیائیل فصل [illegible] از حروف [illegible]

[illegible] از ملائکه موکل [illegible] حروف [illegible] این [illegible]

اسرافیل ب جبرئیل ت عزرائیل ث میکائیل ج کاکائیل

مکائیل خ مهکائیل د دردائیل ذ اهراطیل ر شرقائیل

ع [illegible] اکیل ش همواکیل ص طکیائیل ض

ز امواکیل س هواکیل [illegible]

لروائیل [illegible] طامائیل ط برواصح ع لوماطائیل غ لوحمائیل

ف [illegible] قعطرائیل ک [illegible] طاطائیل [illegible] بائیل

دمولد

فصل ائیطا کلی بی ائیلبا روده ائیلبا ورقا والا حون

بدانکه حروف ۲۸ گانه بحسب ترکیب بروج ۱۲ گانه قسمت کرده‌اند بدین ترتیب

و هوائی آن از ... طبیعت این است که بر هر برج قسم زده‌اند حار یابس ناری

اع ه طح ف ش ... داده‌اند که ... و ... بر قسمت

ها اعد ی هطح حفش حار رطب هوائی ق ی ص غ

ظ ا ف ض ... هوا داده‌اند که جوزا و میزان و دلو است بر قسمت بعض ضغظ

ی ظ کض بارد رطب مائی س ل ز ث ن و د ... داده‌اند که سرطان

و عقرب و حوت است بدین قسمت ج س ل ز ن ش بارد یابس خاکی

ج م ز ب خ ت ذ ... داده‌اند که ثور و سنبله و جدی است بدین قسمت احمر

ه د بخ طحد فصل ... که حروف ۲۸ گانه را القسمت دیگر چهار قسم کرده بحسب

انفراد و ... اعراب داده‌اند اگر در ... اعراب ... قاعده اعراب ...

... حروف مفرده حاره مفتوح است اینست ا

و حال م ن ع اعراب ... در ترکیب ... فتح است ترکیب حروف

مفتوح حاره مذکوره او ... حروف مفرده بارده مجزوم است

این است ب دخ ظ غ ض ق اعراب ... در ترکیب ... کنند جزم ا

ترکیب حروف ... مذکوره بد خ ظ غ ض ق حروف مفرده رطبه مکسوره ... این

است [illegible] ش ذ ص ط اعراب ... در ترکیب ...

ترکیب حروف رطبه ... است ... ش ذ ص ط اعراب ...

حروف مفرده یابسه مضمومه ... این است ج ز ک س ق ث

ج اعراب ... در ترکیب ... است ترکیب حروف یابسه ...

ج ز ک س ق ث فصل بدانکه نزد طایفه از محققان این علم حروف ...

قسمی دیگر است بحسب طبیعت حروف و تلازم رطوبت و یبوست با حرارت و رطوبت
و یبوست با برودت و باین قسم ایشان را اعمال غریبه تجربه مشهوره بعلوم طبیعیه و آن قسمت
این است نار بوسصط هوا اهطمفشذ آب [illegible] دجلعزخغ ماء
جزکسقثظ و بعضی گفته‌اند که این قسمت بحسب طبیعت حروف مفرده گفته‌اند و بر این تقدیر
الف حاره یبس با بارده ج رطب د یابسه فعلی هذا الحروف مفرده را قسمت دیگر کرده‌اند
کواکب سبعه چنانکه از حار و بارد و رطب و یابس از هر یکی حرفی گرفته‌اند بر ترتیب و با عزائم که
خاص است بوی بکواکب داده‌اند بر این وضع زحل اجهث ی مشتری قونا د دخ
بکشیخ س ل شمس ظ ه زهره مفذغ عطارد نتصض قمر ابحطق و در اعمال تکسیر حاجت
که محتاج بحروف کواکب شوند رجوع باین باید کرد چنانکه در [illegible] اسماء محکت حروف [illegible]
ه و ی باید در بعض حروف ل و خ فعلی در بیج و بکار ساعات و اوقات [illegible]
پس می باید که بدانیم که روز زهره آدینه و شب زهره شب شنبه است و روز مشتری پنجشنبه است
شب [illegible] و نیز باید که ساعات هر یک از مشتری و زهره بدانیم تا عمل [illegible]
بخورات عود و مشک و عنبر و قسط و زعفران و عنبر و قشور [illegible] بخورات [illegible] سعد
[illegible] و بس عود و [illegible] و در این [illegible] اجزا مساوی باید کوفت [illegible] فعلی بدان
ابدا که [illegible] که صاحب تکسیر را از معرفت [illegible] ضرور است تا عمل [illegible] اعمال باشد
و از سر دانش عمل بعید کرده باشد فائدة جامعة عمل تکسیر بدان که معلوم خواهد شد [illegible] نوع
نوع اول تکسیر اسماء آن است که هر یکی خاصیتی دارد و غایت آن است که چون تکسیر اسمی کردی [illegible]
حروف سطر اول در آخر سطر [illegible] اعداد آن حروف جمع کند بحساب تهجی و [illegible]
حروف تکسیر مربعی وضع کند بطریق طبیعی تا از وی اثری که خاصیت آن [illegible] پیدا

کرد چنانچه در اسم الحی القیوم نموده می شود و باقی اسماء الله العزیز را بر این قیاس
می باید کرد و هذا المثال للتکسیر و در این نوع تکسیر خود ما قطب وقت شیخ شهاب
برآن نقش کند از زر یا نقره یا نگین یا حریر چنان که کیفیت و تکسیر هر اسم و خاصیت کرده شد
بچیزی دیگر مثبت نوع دوم تکسیر چون خواهد میان دو کس الفت و محبت پدید آید حروف اسم طالب را
در سطری بنویسد و حروف اسم مطلوب را بر پهلوی آن در سطر دیگر بنویسد بر این مثال که بنویسد
میشود میان حسن و علی والله بر قاعده که در حی و قیوم گفته شد تکسیر کند تا آن سطر بتمام باز آید
بر این صورت ۳ پس حرف های اول سطر که آن را صدر خوانند فرا گیرند و در یک سطر ثبت
کنند و حروف های اواخر سطور که آن را مؤخر گویند نیز فرا گیرند و در یک سطر ثبت کنند در
پهلوی صدر بر این مثال ح ی ن ل ع س ح ی ن ل ع س ح ی پس
از این هر دو سطر صدر و مؤخر یک سطر بیرون آرند و آن را در یک سطر ثبت کنند و طریق
بیرون آوردن یک سطر مذکور از صدر و مؤخر بدین مثال که یک حرف از سطر صدر گیرند و یکی
از سطر مؤخر بر این مثال ح ح ی ی ن ن ل ل ع ع س س ح ح ی و این سطر را
سطر متولد السطرین گویند پس حروف این سطر متولد را آنچه ممکن باشد پیوسته بنویسند و اعراب
بنهند چنان که در اعراب حروف گفته شد بفتح و کسره و ضم بر این مثال حَسَن

ح ی ق ی و م
م ح و ی ی ق
ق م ی ح ی و
و ق ی م ح ی
ی و ح ق م ی
ی ی م و ق ح
ح ی ق ی و م

ح س ن ع ل ی ۳
ی ح ل س ع ن
ن ی ع ح س ل
ل ن س ی ح ع
ع ل ح ن ی س
س ع ی ل ن ح
ح س ن ع ل ی

چون روز دوشنبه یا در روز شنبه یا در ساعت قمر یا در ساعت شمس پس ودود للعقعسیح
در خانه خود بنشینند و نظر باشند تقریر نظارت باشی یا به نام مشغول شوند و بخوره یا
بر آتش می نهند اندک اندک از زمان ابتدا تکسیر تا غایت فراغ از عمل پس آن
حروف سطر متولد را باهم ترکیب کرده و اعراب زده بر پارچه حریر زرد یا سفید نویسند و چون
آن حروف را اعراب زده نشینند آن را با اصل اعراب میخوانند و آن حریر را که حروف بر او نوشته شد
چون به پیچد و در چراغ دانی نهند و روغن گاو و عسل در چراغ دان ریزند چنان که روغن به
و عسل که چراغ را می افروزند و در این همه حالات از خواندن این حروف و حریر خالی نباشند
و در وی چراغ سوی خانه و منزل مطلوب کنند و خود برابر چراغ نشینند در موضع خالی و این کلمات را
بعد حروفی که در سطر سیت کرده بر حریر نوشته بخوانند و این خواندن چند نفس باید که قبله
می شوند و کلمات این است اقسمت علیکم یا ارواح العلویة و ا
السفلیة بکل اسم حاصل من تکسیر هذه الحروف من اسماء
ربنا و ربکم و الهنا و الهکم و من اسماء رؤسائکم من
الملائکة المقربین و الارواح المقدسة ان تجیبونی بمحبة المقدسین
فلان ابن فلان و بتهییجه الی الی الی آخر تا این کلمات را خوانند قبله سوخته و دود تمام
تمام شد فیها و آنچه خواهش نشینند آنکه که تمام شود که مقصود حاصل شود و گفته اند
که بسیار بود که در همه حالات این عمل قبله تمام نسوخته باشد که مطلوب بر آمده باشد

دیگر روایت دیگر چنان است که فتیله نیز بعدد حروف آن سطر معرب باشد و بهر فتیله آن یک سطر
حاصل معرب باید نوشته باشد و در پشت حریر فتیله اسم طالب و مطلوب را با حروف ناری
یا حروف شتری که مفذع است با و ذ د د ممزوج بنویسد مقطع و مکرر تکسیر کند
تا ممزوج شد و آن را بر پشت فتیله بنویسد و فصاد در این مثال حسن و علی را با حروف ه
که مفذع است با حروف ی که د ذ د دا است بنویسد مقطع و مکرر تکسیر کند
تا ممزوج شود و آن را بر پشت فتیله نویسد در این مثال با حروف ناری ح س ن ع ل ی
م ف ذ ع نوع سیم از تکسیر اسم طالب و مطلوب با جهه محبت و این اشرف انواع است
چون رعایت شرایط کرده باشند دقایق عمل بجا آورده بخطا در عمل و ارتفاع نیز نبود
بر قاعده شایع مختلف متعدی این عمل باید که در وقت ساعت معلوم شده از ام بال
یا در روز یا در شب که هر یک از این روز و شب معلوم گشته بهر هر چند باشد و یک
در عمل حاصل کرده بخلوتی در آید و دو رکعت نماز استخاره بگذارد و از حضرت حق تعالی خیر خود را
در آن عمل بخواهد و حروف طالع طالب و حروف طالع مطلوب که آن به بروج متعلق است
استخراج کنند و در دو سطر نهند و آنکه در این دو سطر حاصل از طالعین را با یکدیگر امتزاج دهد به تقدیم
حروف طالع طالب بتاخیر حروف طالع مطلوب و از این امتزاج حروف طالعین آنچه
حاصل شود آن دو سطر باید نهاد پس حروف اسم طالب و حروف اسم مطلوب را نیز

در هر سطرها بدین نهاد و نگاه باید کرد هر استخراج باید دلو لقا نکته که چون استخراج حروف طالعین گفته شد
و از این استخراج حروف آنچه حاصل شود اگر اینجا در یک سطرها بدین نهاد پس اگر حروف هر دو اسم در عدد
برابر باشند فبها و اما اگر حروف اسم طالب زیاده باشد از حروف اسم مطلوب آن زیاده را
بتقدیم حروف اسم طالب تمام کند و اگر حروف اسم مطلوب زیاده باشد از حروف اسم
طالب آن زیاده را بتقدیم حروف اسم طالب تمام کند چنانچه در مثال مستقبل معلوم می‌شود
پس آن سطر ممزوج از هر دو طالع و هر دو اسم را باید که استخراج نموده باشد اگر حروف طالعین
اما این قاعده که اگر حروف سطر طالعین زیاده باشند بتقدیم حروف سطر اسمین تمام باید
کردن و اگر حروف سطر اسمین زیاده باشند از حروف سطر طالعین آن زیاده را
بتقدیم حروف طالعین تمام باید کرد چنانکه در مثال مستقبل معلوم می‌شود انگاه از این سطر متولد
از همه سطرها اساس حسن برون آرد و در طرف راست سطر مذکور متولد از سطر ممزوج از طالع
و هر دو اسم بنویسد و هم آنجا که استخراج کند آن جا که در کتب آمده از روح و ملائک
و حروف و نام بیت آن نوشته شد بشکست و در طرف دیگر آن سطر مذکور موصوف
بنویسد و این نیز در مثال مستقبل معلوم می‌شود پس حروف این سطر آخر که سطر متولد موصوف مذکور است
شماره کند چند است و بعد از آن حروف حرف بحرف پاره پاره گرداند و بر هر پاره سطر از آن حروف
سطر متولد موصوف مذکور مجموع بنویسد پیوسته و هر حرفی را با اعراب خوش معرب بنویسد
و آنها را فتیله سازد و بر هر فتیله یکبار از این حروف معرب با اعراب [illegible] بخواند و باد
بر فتیله بدمد و آن فتیله‌ها را در چراغدان میان نهد و در روغن و عسل با هم آمیخته
فرو کند و روی چراغ را بسوی خانه مطلوب کند و خود برابر چراغ بنشیند و بعد هر فتیله یکبار
عزیمه را با قسم باسماء حسنی که بر این مثال که یاد کرده خواهد شد بخواند و در حین خواندن آن
سطر معرب بسم الله می‌خواند و از اول ساعت نحس زحل زهره یا مشتری اندک اندک آتش بر نهد و بعد همه

حروف دیگر

بحروف دعوی هذا یا دا باید کرد و اگر عدد حروف سطرا و حروف دعوی باید و آن اوی ست
واگر همه نیابد یا بنجم یا بدست مثلا آ فلان یا فلان و فلان یا یا فلان و افلان یا ای
یا آ فلان یا وَ آنتی فلان و اگر دروی حروف دعوی نیابد همچنان مجزا گوید مثلا اکنون فرض
کنیم که نام طالب داود است و نام مطلوب سلیمان و طالع طالع تحویل است و حروف ن ه
طح و طالع مطلوب ب است و حروف ن ق ی ص اسم طالب داود اسم
مطلوب س ل ی م ان سطر استخراج حروف طالبین با یکدیگر ه ق ط ی ح ص سطر استخراج
حروف اسمین با یکدیگر د س ا ل و ی د م د ا ان سطر متولد من هذین السطرین ه الحاصل
د ق س ط ا ی ل ح و ص ی ه د ق م ط د ی ا ح ا ص ن الله اکبر
آنکه بمستخرج شد الله واحد احد لحد حمید قدوس هادی للقسط الا الله
منه لوما طائیل حولالا الیمون سطر متولد مذکور را چون مرکب و معرب کنند
چنین باشد هید قسطیا آیلحو ضینهند قمطد یا آحاصین و حولی
حروف این سطر متولد مذکور ۲۴ است و نیکه نیز باید ۲۴ حرف و این کلمات معرب مذکور را
نیز ۲۴ بار باید خواندن در آخر خواندن اسما حسنی و اسما ملائکه بعد از آنکه ۲۴ بار فصیله از جزیر
حرف و ورد همه ان سین نهاد و شرائط مذکوره بیکبار آورد و جواهع او حرف باید که ۲۴
بار اسما ملائکه را با اسما حسنی بخواند و در آخر خواندن منوعت اسما حسنی نیز با حروف معربه بخواند
بر طریق یا لوما طائیل یا حولالا یا الیمون بحق الاله الا

فصل در تکسیر سیصد و شرط و کیفیت آن طریق این تکسیر سیوم آن است که اسم طالب و مطلوب را معین کند و اسم
مطلوب را بر اسم طالب مقدم دارند و هر دو اسم را در یک سطر بنهند بطوری که تکرار نگردد و هر دو اسم را مقطع کرده باشند
و اسم مطلوب را بر اسم طالب مقدم بنویسند و در آن یک سطر که می‌نهند و حروف را تکسیر کند چنانچه سطر اول به ترتیب ...
[illegible]

سل الم غ ان م
م ... ن ا ال غ م
م م غ ... ل ن ا
ا م ا م ل ... س
س ال م غ ا ن م

سل م م اس م م اس م
م س س م ا م ا م س
س م م س اس م م م ا
اس م م م م س س ا
ا اس س س م م م م م
م ا م ا م س م س م س
سل ا م م اس م ما س م

[illegible]

۹	۱۱	۴۸۴	۱
۴۸۳	۳	۲	۱۲
۳	۴۸۶	۹	۶
۴۹۰	[illegible]	۴	۴۸۵

[illegible]

مذکوره نقا عده مشروحه وضع کردیم بعد از آن از جهت اربعه مذکوره در مربع مذکوره خالی ماند پس نظر در سطر اول
کردیم عرضی از آن مربع کردیم دیدیم که در یک خانهای او که عدد در او موضوع است ۲۰ است و تا عدد مقصود ده ۴۲۵ ر
۴۸۴ بیاید با عدد مقصود تمام از این سطر بیرون آید پس ۴۸۴ را در بیت ثانی از این سطر اول عرضی که خالی بود
وضع کردیم پس در سطر دوم عرضی از این مربع کردیم دیدیم که در این خانهای او که عدد در او بیست موضوع است ۱۴
تا عدد مقصود ۴۸۳ باید که عدد مقصود تمام از این بیرون آید ۴۸۳ را در بیت ثالث
از این سطر دوم عرضی وضع کردیم پس نظر کردیم در سطر ثالث عرضی از این مربع دیدیم که در این خانهای او که عدد
در آنها موضوع است ۱۸ است و تا عدد مقصود مذکور ۴۸۱ می باید که عدد مقصود تمام از این سطر برون
آید ۴۸۱ را در بیت ثانی از این سطر ثالث عرضی که خالی بود وضع کردیم پس نظر کردیم در سطر اخیر عرضی از این
مربع که در خانهای او که عدد در آنها موضوع است ۱۹ است و تا عدد مقصود مذکور ۴۸۵ می باید که عدد مقصود
تمام از این سطر برون آید پس ۴۸۵ را در بیت اولی از این سطر اخیر عرضی که خالی بود وضع کردیم
و تمام این خانهای مربع مملو شد و وفق حاصل گشت و بجهة دیگر باره مربع عدد مقصود که حاصل باشند
از تکسیر یا غیره با این وضع که شرح کرده شد و از اکثر کتب اعداد ضابطه وضع عدد در علوم مکتوب است
در ورد مبینه سیم نه محرم الحرام که در روز شنبه بود در وقت ... در در ... نوشته شد
از جمله خواص این وفق یکی دیگر آن است که اگر چیزی دزد دیده باشند و خواهند که ظاهر
شود بنویسد این شکل بر صحیفه و نام سارق یا ذهب یا آبق و در تنور یا مطبخ دفن کنند چون
بکار آتش بصحیفه رسد آن دزد یا رشته یا گرهی تغیر در او واقع شود و باز گردد با مرتبه ۲ نوع و حوتی
دفن ... بگو ... احمع ... بر بنجال بنویسد که از مجربات است

۵	۱۱	۴۸۴	۱
۴۸۳	۳	۲	۱۲
۳	۴۸۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۴۸۵

میکائیل

۲		۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

اسرافیل

۲		۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

عزرائیل

و از جهت نقض بنویسد بر خنجر فولاد که پنهان آن جای است باشد نام آنکس که خواهد و اسم
مادرش و در آتش نهند مدت شصت روزه و بخور بکنند که آنکس هلاک شود و این حروف
بنویسد ا ح ج ز ط و این حروفات جهت نقض و هلاک دشمن مجرب است و بروح جهت محبت
و گشایش و طلب و هر چه خواهند

ح ۸	و ۶	۴	۴
ب ۲	د ۴	و ۶	ح ۸
و ۶		ب ۲	۴
د ۴	ب ۲	ح ۸	و ۶

ح ۸

خواص ختم بنهم غشاوه عدد بگیرد چون
از شخصی هراسان باشند عدد اسم
آن شخص بگیرد و بعد این آیه اضافه
کنند و در مربع بنگارد چون قمر در ثور باشد یا در سنبله و قمر ناظر سعود و در ساعت
ساعت نیک و آن مربع با خود نگاه دارد و این آیه بعد وسم آن شخص
بخواند البته زبانش بسته گردد و اگر خصمان جماعتی باشند عدد جمله را بگیرد و باین
عدد اضافه کنند و در مربع مثلث کنند و در ساعت سنگ گران بنهند و نام خصمان
بر زبان جمله بسته گردد و هر صفحه نوبت در آن ساعت این آیه بخواند و جعلنا
۳۰۶۲
من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم
لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا یعقلون واخسئوا فیها ولا
تکلمون وشاهت الوجوه وعنت الوجوه للحی القیوم
۱۴۲
این آیه‌ها هر یک خواص دارند و اگر این جمله را عدد بگیرند و بنام خصمان اضافه کنند
و در مربع مثلث بنهند از عظمت روی [illegible] و گنگ و لال شوند و این جمله [illegible]
جهت عقد لسان خواص آیه مخصوص [illegible] اعلا [illegible] باشد و خواهد آنکس را مسخر
نماید عدد آیه لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین
قلوبهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم بگیرد و اسم طالب و مطلوب
جمله بگیرد و اضافه عدد آیه کند و در مربع مثلث [illegible] اسم طالب و مطلوب

اضافه کنند از عظیم فزاید ... شخص بخواند شخص ... نظر ... بهشت ... عشق ... ورد ... ۹۳۴
و انسب ... هذا النار من احسن السماء ... کند ... اسماء الله
هذا القرآن تا بنفکرون جهة ... احمقان ... چون اسم شخص اضافه ...
و در مربع ... موافق مقصود ... از عظیم ... خواص لقد جاءکم رسول
من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم ۲۹۹۲ چون ...
که ... اسم ... شخص ... در مربع ... موافق و ...
... چون ... ... چهارشنبه ... رکعت ...
و در رکعت اول ... لقد جاءکم ... بخواند ... سلام ...
نوبت ... و ... ۲ نوبت ... رحیم ...
... چون ... که ... شوال ... خواص
ومن یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب چون ...
... اسم شخص در مربع ... موافق ...
... من حیث لا یحتسب ۱۱۲۹ حضرت ...
در رزق ... مربع ... خواص قل ان
الفضل بید الله یؤتیه من یشاء والله واسع علیم یختص برحمته من
یشاء والله ذو الفضل العظیم چون ... در مربع ... موافق و ...
...
و در ... از عظیم ... چون ...
و ... در ... کار ...
مقبول القول ...

والله ذو الفضل [illegible] ۲۷۷۱	یختص برحمته من یشاء ۲۱۵۲	[illegible]	ان الفضل [illegible]
[illegible] ۱۱۹۱	[illegible]	[illegible] ۲۲۶۹	[illegible] ۲۱۶۹
ان الفضل [illegible] ۱۳۵۸	[illegible] ۱۳۰	یختص برحمته [illegible] ۲۱۵۳	[illegible] ۲۲۳۰
یختص [illegible] ۱۵۵	[illegible]	[illegible] ۱۲۱۰	[illegible] ۱۱۹۲

... ۱۱۹۲

خواص وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ... فی کتاب مبین

چون کسی خواهد که از حال غایب [illegible] خبر یابد ... آینه [illegible] که [illegible] خود ... آدینه [illegible] شب چهارشنبه ... آیه [illegible] بسم ... مربع [illegible] این آیه [illegible] آن مربع بنویسد [illegible] والشمس [illegible] بنهد و در خواب [illegible] که در زرد [illegible] البته [illegible] آن [illegible] حقیقت [illegible] صباح که [illegible] سبحان [illegible] خواص آیه [illegible]

ما اخر چون کسی را ... مربع [illegible] و در میان [illegible] ... سید شرف الدین [illegible] ... خواص معوذتین اگر کسی [illegible] ... بر این صورت [illegible] ... فصل [illegible] ... آن [illegible] بنویسد [illegible]

٨	٩٤	٩٧	١
٩٦	٢	٧	٩٥
٣		٩٢	٦
٩٣	٥	٤	٩٨

٩٩

[illegible] نصف [illegible] عدد [illegible] ... در این [illegible]

١٢٩ [illegible] نصف [illegible]

١١٤

صورت نظم طبیعی [illegible] از شصت و چهار [illegible] پنجاه و شش [illegible]

[illegible] فصل در طریقه [illegible]

٨	٥٨	٦٢	١
٦١	٢	٧	٥٩
٣		٥٦	٤
٥٧	٥	٤	٦٣

٦٤

[illegible]

[illegible] بسط [illegible]

[illegible]

٢٠٥

١٧٠	٢٠١	[illegible]	٤٠
٢٠٣	١١	١٦	[illegible]
١٢		٤	١٥
[illegible]	١٤	١٣	[illegible]

٢٠٦

٢٠٧	٣٠	٢٠٤	٢٠
٣٠٣	٢١	٢٠٦	٣٠١
٢٢		٢٠٨	٢٠٥
٢٠٩	٢٤	٢٣	٣٠٥

[illegible]

٥

٤٠٢	٤٠٥	٤٠٨	٣٠٥
٤٠٤	٣٠٦	٤٠١	٣٠٤
٣٠٧		٤٠٣	٤٠
٤٠٤	٣٠٩	٤٠٨	٤٠٩

[illegible]

٣٠٤	٤٠٦	٤٠٣	٤٠٧
٤٠٢	٢٠٨	[illegible]	٤٠٢
٣٠٩		٣٠٨	٣٠٥
[illegible]	٣٠٣	٣٠	٤٠٥

فصل در طریقه [illegible]

[illegible]

بحم کند و ششم و هفتم و هشتم خانه عدد او باشد و دیگر ابتدا از نهم خانه کند نهم و دهم و یازدهم
و دوازدهم و دیگر ابتدا از خانه سیزدهم کند و چهاردهم و پانزدهم و شانزده تمام کنند این جمله
مشایخ این نوع را الواح نگاشته اند و شیخ ابو
العباس احمد بونی المغربی رحمة الله علیه که در این علم از
مشاهیر است رساله نوشته مشهور به لواح الذهب
و در آن الواح از آیات و اسماء و در مربعات نگاشته

م	غ	ن	ی
۵۱	۹	[illegible]	۹۹۹
۸	۴۸		۳۰۲
۱۰۰۱	۴۰۳	۷	۴۹

۱۰۰۲

و بعد و میعاد و خواص هر یک مربع نوشته اما این طریقه مظهر ... که در این جا باشد تصرف نتوان کرد فصل در خواص زوج الزوج اما عدد زوج الزوج اگر کسی خواهد که این مربع ... و در آن ... گرداند قمر ناظر السعدین باشد این شکل را بکشند تمام در ... و معطر کرده و در ... مربع در مقابل مربع دیگر کشند و عدد طالب و مطلوب در آن ثبت کنند چون این مربع را با خود دارد مطلوبش حاصل شود مثال این است و الله اعلم

۳	۲۰۸	۴۲	۱۶
۴۴	۱۴	۴	۲۰۶
۱۲	۱۸		۶
۳۰	۸	۱۵	۲۰

۳۰۲

اما خواص فرد الفرد آن است که چون قمر ناقص
النور باشد و ناظر زحل باشد این مربع را بکشند
هر زمانی که ... دارد آن ... و هفتم
خانه و ... اسم شخص ... بنویسند و اسم
در ... دیگر در مربع ... کنند ... در
میان آن ... شخص ... در گورستان دفن کنند مثال این است

۱	۲۰۷	۲۱	۲۵
۲۳	۱۳	۳	۲۰۵
۱۱	۱۷		۵
۲۰۹	۷	۹	۱۹

۳۰۱

که چون مربع ... عدد ... مشایخ
و ... این فقره رسند و از تجربیات
این ... نقش ...
مرد ... است ... خواص

الجواهر

بسم الله ... ربّ ... [illegible]

اگر خواهی بدانی که کسی با اسم قدم مبارک دارد یا نه یا مهمان ایشان را با ابجد حساب کن و [illegible] از ده طرح کن اگر از

از یک تا هفت بماند قدمش مبارک باشد و اگر از نه تا [illegible] بماند نامبارک باشد و [illegible] اگر [illegible]

بگرداند [illegible] سؤال کن بطریق حساب ابجد که حروف اول چند عدد [illegible] خواند [illegible] که [illegible]

آن اسم چند حرف باشد هر مرتبه حرفی [illegible] مثلا اسم زید را بخواطر گرفته است اول سؤال می کنی که [illegible]

حرف اول چند عددی [illegible] زا و یا و دال [illegible] عدد آن چند است و مرتبه ثانی [illegible] زا و دال

چند عدد است مرتبه ثالث [illegible] زا یا چند عدد [illegible] تا چند حرف باشد [illegible] اگر [illegible]

بطریق حساب باید کرد و مجموع که حساب شد اگر آن اسم چهار حرفی [illegible] مجموع عدد [illegible]

گرد [illegible] حرفی باشد [illegible] قسمت [illegible] اسم را [illegible] که حروف [illegible]

کمتر باید کرد [illegible] آن عدد [illegible] باید [illegible] را [illegible] حرف [illegible]

آن عددی که اول گرفته است [illegible] هر چه [illegible] آن عدد [illegible] را باید [illegible]

حرف [illegible] است اسمی که [illegible] گرفته است بیرون آید حساب زبر و بینات زبر آن است که

هر حرف را از برای هر عددی که موضوع است در حساب ابجد حساب [illegible] الف یک و با دو

و یا ده و کاف بیست و لام سی و بینات آن است هر حرف را بلفظ [illegible] حساب کنند و جیم [illegible]

ملفوظی [illegible] ملفوظ را [illegible] حساب ابجد حساب [illegible] ملفوظ [illegible]

حساب کنند [illegible] میم و جیم [illegible] حساب کنند و میم را

[illegible] و عین [illegible] حساب [illegible] و [illegible] حساب [illegible]

کنند از زبر و بینات [illegible] الف زبر است و لام و فا بینات اگر [illegible] حرف [illegible]

حرف اول زبر است و باقی بینات [illegible] حرف را [illegible] حساب کنند

با ملفوظ [illegible] مقام [illegible] الف را حساب [illegible] ملفوظ الف [illegible]

حساب میکنند الف و لام و فا [illegible] ابجد کبیر [illegible] والف [illegible]

از [illegible] بده [illegible] رسید [illegible] حروف [illegible]

حرف [illegible] حرف [illegible] مرکنند و اگر خواهند الف [illegible]

و یا و حا و [illegible] اگر [illegible] خوانند و اگر [illegible] از [illegible]

مقام [illegible] الف و اگر [illegible] طریق حساب [illegible]

[illegible] این حساب [illegible] دارد [illegible] که [illegible]

در خواص بسم الله بیت خوش گوار بسم الله گفتن هر چه بخواهی بسم الله بگو چون کار مضطرب احوال شد

و هیچ امیدی سرانجام کار خود نداشته باشد بنویسد این مربع را در صفحه و دفن نماید بعد ۷۸۶ بنویسد

و شرط خواندن آن است که اول وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول ۱۹ بار بسم الله الرحمن الرحیم

بگوید و بعد از آن فاتحه بخواند و در رکوع و سجود بگوید و در رکعت دوم همین عدد است که گفته شد قرآن اسلام ۷۸۶ ز ده دوازده مربع

بکشد و عدد مذکور بگوید و بعد از تشهد و سلام از نماز بگوید به وصول بنوید و دولت حاصل شود انشاء الله تعالی

کذا اعتقاد بنیت واین مربع در خود نگاه دارد چون این عمل کرده باشد یقین که در آن نفس مقصود ان

شود و هیچ شک در این نیست و اگر کسی را حاجت باشد همین عمل بکند

کند و به سعود و از حرکت و کتب و مکاشف و صحت و حرمت و چشم زخم و تسخیر و غیره عمل کند دارد

چون این آیه کریمه بسم الله الرحمن الرحیم را بنویسد در مربع و شب جمعه در جیب

و در میان مربع ۷۸۶ بنویسد و در دیگر مربع بدین طریق

۱۹۶	۱۹۹	۲۰۲	۱۸۹
۲۱	۱۹	۱۹۵	۲۰۰
۱۹۱		۱۹۲	۱۹۴
۱۹۸	۱۹۳	۱۹۲	۲۰۳

۲۰۴

الرحیم	الرحمن	الله	بسم
بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحمن		بسم	الله
الله	بسم	الرحیم	الرحمن

الرحیم

خواص والهکم اله واحد چون این در مربع بنگارند و در جیب نهد و هر کار که می نیکخ

بکار بندد این مربع را بخواند غالب آید و هیچ او را زحمت نرساند و برابر کسی سوگند نکند و مقصود

و منزل گرداند و این ورد را در بیست خلایق هیبت دهد به هر کجا رود عزیز و محترم باشد

الرحمن الرحیم	الا هو	لا اله	والهکم اله واحد
لا اله	والهکم اله واحد	الرحمن الرحیم	الا هو
والهکم اله واحد		الا هو	الرحمن الرحیم
الا هو	الرحمن الرحیم	والهکم اله واحد	لا اله

لا اله

۲۲۹	۲۳۱	[illegible]	۲۲۱
۲۳۴	۲۲۲	۲۲۲	۲۳۲
۲۲۳		۲۳۹	۲۲۶
۲۳۰	۲۲۵	۲۲۴	۲۲۶

۲۲۷

از مرد دار

کشته او کفر ضعف ... حسین ... در گلگون احمر شد
گویا دارند عزم کربلای شاه دین ...
یک از حبل ... از فغان ... کرد در گلگون احمر شد
سنگ ... چون ... سار ... کوه ... روی
دو بهرام ... از دیده ... کرد در ...
قوس ... چون ... از ... احمر شد
از ... از کرد ... کرد در ... احمر شد
فارس ... از ... کرد در ... احمر شد
آسمان ... از ... ال ...
از نو بازار دو دست فلک ...

در دریا ... ... در حرم ها ... زمزم
ایک از بهم ... کرد همه احمر شد
آفتاب طلعت ... عراق از ... در زیر ...
هر زمان ... سطح دیگر در گلگون احمر شد

از عطش سیراب ... شاخ ... از دم ...
خار زار کفر از خون ... تر کرد همه احمر شد
نوجوان ... از ...
کودکان ... لاله ... کرد در گلگون احمر شد

اگر ... در ... آب ...
... ساقی کوثر ... در گلگون احمر شد
از ... ساغر ... از ...
پر کرده ... ز ... ساغر ... در گلگون احمر شد

دسته قاسم علی اصغر کاکل اکبر نگر

[illegible]

در نگر گشته حشر نگر

شد عاکفان خیل عصمت را ز بی ناموس خیزند　　دل به تیغ شکسته روی به مو نگر　　ای که از دجله ها جاری ز چشم از خون ناب

صد کند با وجود غل بند　　در نگر گشته حشر نگر　　دل کباب وان یکی در التهاب

[illegible]

۱۲۰

اولش خوانند کردند قیمت ارزنده جناب   شرم روی مهر یارش باین و صورت مهوش کرد   سال و در نقاشش میشود زند همچون آفتاب

منبع آب زمزمه‌ها   از   تراب   در نگه گردش دوران نگر   با نقاب دختران   بو تراب

خواص آیة الکرسی چون این آیه را همه در مربع بنگارند در ساعت مشتری و قمر ناظر بسعود دارند و این مربع ایمن گردد
از خطر سلطان و قهر جباران و محفوظ باشند از جمله آفات و گشایش کارها و فتوحات را موثر نزد
و در نزد خواندن آن است که چون این مربع بنگارند سه روز هر روز عدد [illegible] و بعد از آن همراه خود
بگذارند و [illegible] و هر کس دید آن سخن گویند و چون نزد حکام می آورند مانند [illegible]

الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم	له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه	یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء	وسع کرسیه السموات و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم
یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء	وسع کرسیه السموات و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم	الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم	له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه
وسع کرسیه السموات و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم	یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء		الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم
له ما فی السموات و ما فی الارض من الذی یشفع عنده الا باذنه	الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة	وسع کرسیه السموات و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم	یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء

له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه

بجهت ولادت فرزند بر [illegible] سفال آب نرسیده بنویسند را در زیر پای چپ و یک [illegible]
راست کرده بگذارند و یک را [illegible] و [illegible] که [illegible] وضع حمل شود

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

باب در خواص [illegible] مجرب بنویسد این سوره مبارکه [illegible] که [illegible]
شود و [illegible] نقش سوره که خواهد در اندرون [illegible] نوشته [illegible]
بجهت [illegible] طاقت خواهند [illegible] این سوره [illegible] نقش [illegible]
کار [illegible] و [illegible] مطلوب آید خوب و [illegible] انشاء الله [illegible]
مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
ا اصر الم الم الم

الرحمن الرحیم مالک یوم الدین ایاک نعبد المرا
نعص طه طسم المرا
وایاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم
المرا المرا یس ص
صراط الذین انعمت علیهم غیر
حم حم حم حم
المغضوب علیهم ولا الضالین باب [illegible]
حم اول [illegible] او لا یا ما البنوس را از حرف
[illegible] باشد و هر چه سؤال کند در جواب بدو گویند یا ما البنوس را از حرف [illegible]
با [illegible] و در خواب سؤال کند و در جواب براو گویند
اگر کسی سوره [illegible] به محبوبی که عاشق شده باشد [illegible] قرار
[illegible] باشد [illegible] بنویسد و موم [illegible] سوره کند [illegible] موم کرده [illegible]
[illegible] دارد [illegible] فی العقود [illegible] این قسم [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الرحمن
المر المر المر الم الم
الرحمن مالک یوم الدین ایاک نعبد وایاک
کهیعص طه طسم طهم الر الم
نستعین اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین
المر المر یس ص حم حم
انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین
حم حم حم حم حم
باب [illegible] این آیه [illegible] مرتبه [illegible] و [illegible] سنگ [illegible]
[illegible] این آیه [illegible] الذین طغوا فی البلاد
فاکثروا فیها الفساد فصب علیهم ربک سوط عذاب
باب [illegible] این آیه [illegible] پاره نان بنویسد هر یکی را هر روز
[illegible] روز [illegible] بقدر حافظه [illegible]

[illegible]

روز یکشنبه نقش الاول فتعالی الله الملک الحق یوم الثانی رب زدنی علما

وفهما یوم الثالث سنقرئک فلا تنسی یوم الرابع انه یعلم الجهر ومایخفی

یوم الخامس لا تحرک به لسانک لتعجل به یوم السادس ان علینا

جمعه وقرانه یوم السابع فاذا قرأناه فاتبع قرانه اگر خواهی بسیار از قرآن حفظ

شود این طلسم را بنویسد بر چهره زیر انگشت بنهد که هرگز آنچه سوره خواند فراموش نکند مجرب است

[illegible]

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بکلمات الله التامة ومن غضبه ومن کل

شیطان هامة ومن شر کل عین لامة ومن شر کل الشان بجلامه

ومن شر کل المفاسد الحنین وحی ومن شر النفاثات فی العقد

ومن شر حاسد اذا حسد ایاک نعبد وایاک نستعین ه ه ه [illegible] وص حم ه ی

باب دیگر [illegible] همیشه فرزند او سقط شود

آاا م [illegible] لا االهی

[illegible] مجرب است باب دیگر هر که این سوره [illegible] دیگر فرزند او سقط نشود

[illegible] مرض فتربصوا فستعلمون من اصحاب الصراط السوی ومن اهتدی که در سوره طه است نقل آهن بنویسد

[illegible] باب دیگر هر که [illegible] آسمان نماید [illegible]

اسم یا غنی [illegible] منقطع گردد خداوند عالم [illegible] گردند باب دیگر [illegible]

روی [illegible] ... مرتبه بگوید اللهم یا وهاب ذو الطول [illegible] که بی نیاز گردد و هم این

یا وهاب	ذوا	الطول	اللهم
الطول	اللهم	یا وهاب	ذوا
اللهم	الطول	ذوا	یا وهاب
ذوا	یا وهاب	اللهم	الطول

مربع را با خود دارد مجرب است [illegible]

هر که اسم الباسط را هر سحرگاه [illegible]

بگوید بر آسمان [illegible] خداوند عالم [illegible]

گردد مجرب است [illegible]

[illegible] قرض [illegible]

[illegible] الم نشرح [illegible]

ابتدا بحمد و سوره رزق با وضو رو به قبله [illegible] حروف بزند [illegible] مجلس [illegible] [illegible]

[illegible] الله لطیف بعباده یرزق من یشاء [illegible]

بعد حساب [illegible] [illegible]

[illegible] حروف [illegible] یا نور النور یا مدبر الامور

بالغ عنی روح محمد صلی الله علیه و آله تحیة و سلاما یا محق الباطل فیدمغه فاذا

هو زاهق و لکم الویل مما تصفون و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

[illegible]

[illegible] اللهم انی اسئلک یا قهار یا رحمن یا غفار ان تسخر لی قلب فلان ابن فلان

بالمحبة الا [illegible]

[illegible] ۱۲ [illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۱	۳	۱	۲	۶
۱	۴	۹	۲	۶

[illegible]

یا من لا یصرف السوء الا هو

آهکط ما هکط آهکط

ما هکط [illegible]

[illegible]

[illegible]

اذ قالت امرأة عمران رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا فتقبل منی انک انت السمیع العلیم

ن	ط
ج	ه

مجرب است

باب دیگر اگر مالی کسی را دزدیده باشند نویسد بر نان این آیه شریفه و بهر کس گمان
دزدی باشند بدهد بخورد هر کس که دزد باشد در گلویش می ماند فرو نرود قالوا
اتعجبین من امر الله رحمة الله وبرکاته علیکم اهل البیت انه حمید مجید
باب دیگر من خاف الارق فلیقل عند منامه سبحان الله ذی الشان دائم السلطان
عظیم البرهان ثم تقول یا مشبع البطون الجائعة وکاسی الجنوب العاریة
ویا مسکن العروق الضاربة ویا منوم العیون الساهرة سکن عروقی
الضاربة واذن لعینی نوما عاجلا من خاف الاحتلام فلیقل عند منامه اللهم انی
اعوذ بک من الاحتلام ومن شر سوء الاحلام وان یلعب بی
ان یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة والمنام السوء لاکل فی ادعیة الرزق
هذا الدعاء تیسر له الرزق وتسهلت له اسبابه وهو تیسر من عقب کل صلواته فریضة مرات
کثیرة اللهم یا سبب من لا سبب له یا سبب کل ذی سبب یا مسبب الاسباب
من غیر سبب سبب لی سببا صل علی محمد وآل محمد واغننی بحلالک عن
حرامک وبفضلک عن سوالی یا حی یا قیوم فی خواص الآیات القرآنیة من کتاب مجمع
اهل الادب ان القرآن الذی احتجب به النبی صلی الله علیه وآله عن عدوه فی قوله واذا قرأت
القرآن جعلنا بینک وبین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا
آیة کهف قوله ومن اظلم ممن ذکر بآیات ربه ولعرض عنها ونسی ما قدمت
یداه انا جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی آذانهم وقرا وان تدعهم
الی الهدی فلن یهتدوا اذا ابدا آیة النحل قوله اولئک الذین طبع الله علی

قلوبهم وسمعهم وابصارهم اولئك هم الغافلون آية الجاثية

وهي قوله افرايت من اتخذ الهه هواه واضله الله على علم

وختم على سمعه وقلبه وجعل على بصره غشاوة فمن يهديه من بعد الله

افلا تذكرون وعن النبي صلى الله عليه وسلم من قال هذه الكلمات [illegible] كل يوم عشر مرات غفر الله له اربعة الاف

كبيرة وكفاه الله جميع احوال كلها حفظه الله تعالى من شر ابليس وجنوده ومن شر دنيه وفرج همه وغمه

وحزنه ولكفي من [illegible] نب ومقصود وكفاه الله تعالى منه عن شر ظالم وحاسد وماكر وجبار وعنيد

اعددت لكل هول لا اله الا الله ولكل هم وغم ما شاء الله ولكل

نعمة الحمد لله ولكل رخاء وشدة الشكر لله ولكل اعجوبة سبحان الله

ولكل ذنب استغفر الله ولكل مصيبة انا لله وانا اليه راجعون ولكل

ضيق حسبي الله ولكل قضاء وقدر توكلت على الله ولكل عدو

اعتصمت بالله ولكل طاعة ومعصية لا حول ولا قوة الا بالله العلي

العظيم باب في ذكر في الحجب والمها كلها وتحويها ذكر الله تعالى في خصائصه لم [illegible]

عليه السلام الحجب عن المنصور لما اراد قتله بهذه الدعاء وهو [illegible] الكتاب الرحمن الرحيم بسم الله اول [illegible]

بسم الله وليس [illegible] واذا قرات القران جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون

بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم

وقرا واذا ذكرت ربك في القران وحده ولوا على ادبارهم نفورا اللهم

اني اسألك بالاسم الذي به تحيي وتميت وترزق وتعطي وتمنع

يا ذا الجلال والاكرام اللهم من اراد بنا السوء من جميع خلقك فاعم عنا

عينيه واصمم عنا سمعه واشغل عنا قلبه واغلل عنا يده وامرض عنا

كبده وخذه من بين يديه ومن خلفه ومن [illegible] عن يمينه وعن شماله ومن تحته ومن فوقه

يا ذا الجلال والاكرام

خواص ... ۳۶۴ ۱۲۶۴ بزند و با ... انگشت گوشش ۵۱۲۴۱۲ ... شنبه و پوست او

شب ... بر آورند و ... گوشت او ... و در ... زنند و بجوشانند با ... شود گوشت او

۲۱۴۸۲ ۵۰۴۱۴

و در ... و استخوانهای او ... تمام نگهدارند و ... نزدیک

رفته یکیک استخوان او ... او ... هر کدام که ۲۱۴۸۲ بر گردد ... آتش ... بندد رو

و چون از دنبال تو آید بر گرد با وی ۳۰ ۵۰۱۴۱۴ و بدان ... که از کدام استخوان

حاصل شد همان استخوان را نگهدارد ۴۶۶۲ او ... عقد ۳۶۶۲ ... باید که

... بر گرفته در اندرون

... ۳۶۳ ... ۲۱ ... بر گرفته

۴۶۶۲ که ۲۱۴۲ ... بسته شود دیگر خواص آن ... انگشت که او ... شود اگر

کسی درد گلو داشته باشد آن ... انگشت بر گلوی آن کس ... خواص اگر

کسی ۱۹۲۶ ... کند و در زیر درخت میوه دار ... میوه ... خواص

اگر کسی خواهد که ۲۱۴۱ ... که با قوت باشند ... قرآن ...

۱۴۱۲۴ ... که خواهد شود اگر کسی ... باشند که ... شود خواهد که او

... بنویسند و در میان ... او بگذارد ... باز گردد ...

... خود باشد ... و هر گاه شخصی در سفر باشد اهل

خانه و اقوام او منتظر آمدن او باشند و احوال او

نه خواهند که بدانند او در

سفر زنده است یا مرده می آید یا نمی آید

باید دختر نابالغ ... و او را

دهند و سوره حمد ... بر او بخوانند و انگشت

شهادت ... ازین دایره

بگذارند و نگاه کنند دایره و حکم دایره

۴	۱	۳
۳	۵	۲
۸	۹	۶

باب دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است فرمود که هر کس این تعوید را بر بازو بندد شمشیر و سلاح بر روی کار نکند از برکت این تعوید و اگر بر گردن گوسفند ببندی و شمشیر زنی البته نبرد با خود داشته باشد از زخم شمشیر

مروی است که شخص زلال ... تعوید مجرب است

باب از ... که این دعا ... اگر شخص این دعا را ... و آزاری که بر ... نمی‌شنید ...

لا اله الا الله محمد رسول الله علیا ولی الله حقا حقا

یا من لا تراه العیون ولا تخالطه الظنون ولا تصفه الواصفون ولا تاخذه سنة ولا نوم اجعل لی من امری فرجا و مخرجا یا غیاث المستغیثین

یا منزل الشفاء ... انزل علی ما لی ... شفاء باب ... این حروفات ... به ... برد العوف ...

از جهت بزرگی ... خواهی که ... باز کند ... اگر ... در وقت ... در زیر ... بگیرد ...

بسم الله الرحمن الرحیم ... یا ... بحق قل قل قل قل

بحق میططرون

الله ... ۱۱۱ ... الله ...

چیزی که گم شده ... که ارزند ... بر روی

او که ارزند ... اول بسم الله بنویسد ... فسبحان الذی ...

باب دیگر از اسرار ... صغار عند الله و عذاب ...

... ای الله له

نور امما له من نور فلان

امه باذن الله

... بنویسد ... این نقش ... الف

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

۴	۹	۲
۳	۵	۷

ایضا بنویسد از جهت حمل برای زن آبستن بندد بسم الله الرحمن الرحیم حنة ولدت مریم مریم
ولدت عیسی واخرج یا ولد فاخرج یوم یرونها لم یلبثوا
الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک الا القوم الفاسقون بسم الله
الرحمن الرحیم اذا السماء انشقت واذنت لربها وحقت واذا الارض
مدت والقت ما فیها وتخلت جهت وضع حمل این را بر کاغذ نوشته
در پیش روی او بدارد نظر کند بعد از آن بر پشت آهو بنویسد بر ران چپ زن بندد
بفضل الهی سهولت گردد یا خالص یا مخلص یا خلاص
ایضا جهت وضع حمل نوشته بر بازوی عورت بندد
فارغ شود

٨	١١	١۴	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١۶	٩	۶
١٠	۵	۴	١۵

۴	٩	٢
٣	۵	٧

باب
بهر کس در وقت مجامعت این را
بکمر ببندد در هر خدمتی که بکند مانده نشود [illegible]

لله و	١٢ ع	ح لله	ا ه و
و لا	٣١٣	۶ و	[illegible]
٣١ ه	ا و	ع ای	نحو
١١ ح	٨ ح	ا لی	۵ ۶

و	ط	له	ح
ه	٢	س	و
ک	ا	ک	و
١٨	وه	صه	لا

بسند معتبره وارد شده است که این حدیث را هر مریض بخواند یا بر او بخوانند شفا
یابد بتحقیق که بتجربه رسیده است و اگر بنویسد و در آب پاک اندازد هر مریض از آن
آب بیاشامد البته که شفا یابد و هر کس شک کند البته کافر شود بسم الله الرحمن الرحیم روی
طالب ثراه فی کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام قال حدثنا الفضل بن عبد الرحمن
الحسینی عن محمد الغزاری عن عبد الله بن موسی عن علی ابن الحسین ابن عیسی عن علی
ابن موسی الرضا علیه السلام عن موسی ابن جعفر عن جعفر بن محمد عن محمد بن علی عن علی ابن

الحسین عن حسین ابن علی عن علی ابن ابی طالب عن النبی صلی الله علیه و علیهم اجمعین عن جبرئیل
عن میکائیل عن اسرافیل عن عزرائیل عن لوح و هی هذا اللوح باب دیگر دفع خصم

سه مرتبه بر پاره خاک بخواند بر دو بر خصم بفشاند البته منهزم گردد

باب خصم

احمهم ط از قول رسول خدا است

در باب زنی که او را فرزند نشود

این تعویذ نوشته در بازوی راست زن بندد جماع کرده حامله گردد و پسر تولد کند بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

بسم الله و بالله فاوجس منهم خیفة قالوا لا تخف و بشروه بغلام علیم فاقبلت امراته فی صرة فصکت وجهها و قالت عجوز عقیم قالوا کذلک قال ربک انه هو الحکیم العلیم

باب دیگر هر کس این اسم را بر کاسه زرد نو بخورد ... در راه رود هرگز ... نشود از تجربیات است یا قوی یا عزیز یا ذوالمنن

اخراج ... با قرداما علیه الرحمه است ... زده ... بر بازوی ... بندد سوره فیل را ... اسم دشمن بخواند ... روز ... مغلوب گردد ... است و ... مطیع گردد ... صحیح از شیخ بهاء الدین ... است

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

که اگر ... این نقش ... نوشته بر بازوی او بندد ... شفا یابد و اگر زن حامله دشوار زاید این نقش را نوشته ... بندد ... و اگر ... این نقش را نوشته در ... دفن کنند ... زمین ... با ... زده ... هذا المنقوش

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

باب شستن نقوش در تحت کاس نویسد که در تصرف او ۱۳ بزرده باشد ۲۰۵

پاره باعراض هر چند در صنعی مشعث هذا البته و در میان تجمع لفوقه وجدائی واقع شود و هر چه

۴	۲۴	۲۳	۶	۱
۱۹	۱۲	۱۷	۱۰	۲
۲۱	۱۱	۱۳	۱۵	۵
۱	۱۶	۹	۳۴	۲۵
۲۱	۲	۳	۱۸	۲۲

بکه تفرق است میان الشسته بنویسد این آیه
شر نفر را با مرکب و بنی در کله بعد برآتش نهید
و بر کشیر رکشه هر دو هر را بکوید آنها بین بینشان
تفرق و معشوق و باشکر کرده مقطعه نوشته
در در نفر هر دو هر دو رقص کند و باید شکنه بر کرد و
مقطعه نوشته با مقراض باره باره کرده و بر آتش نهد

بعد از این پدید شده تفرقی و معشوق و قوله تعالی والقینا بینهم العداوة و
در در الیه در
والبغضاء الی یوم القیمة کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله و یسعون
فی الارض فسادا والله لا یحب المفسدین باب دیگر اگر خواهی که
باشد این دعا چپ را سوی سطر نوشته با شکنه و عنو و علامت در وقت طلوع آفتاب
رون اندازد چند روز بعد چنین کند تا کار برسد انشاء الله بسم الله الرحمن الرحیم هذا
عریضة من العبد الذلیل الضعیف الی المولی الجلیل الی صاحب الزمان الرحم الراحمین
عزیز و فرج عزیز بحق محمد و آل الطیبین الطاهرین اگر خواهی میان دو کس جدائی
افتد که متفرق شوند این آیه و طلسم را بر کاغذ نوشته در خانه و یا در زیر خانه
البته تفرق واقع شود ذلک فایدنا الذین آمنوا علی عدوهم فاصبحوا ظاهرین
۹۳ سلوطا ۹۲ اسلاعلقه
۱۱۰ ۱۱ لعح ۵ الـ

باب دیگر از جهة دفع حرکت لقوه دست از رگ دست راست این اسماء عظیمه نا بد
یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم و چهار بعد دست چپ این اسماء عظیمه نا بد
یا سمیع یا بصیر یا حلیم یا ودود یا مستعان بعد دست راست این حروف
کهیعص بکشد بعد دست چپ این حروف حمعسق بکشد بعد هر حاجتی که دارد
با آن کس اظهار نماید مراد بخشد حاصل

هر که خواهد که مصحف ختم را ملاحظه نماید سوره حم سجده بگوید و بخواند در خواب معلوم شود

نوعی باب دیگر تحت عزت باین در روح جمع افزود کمان سوره نیت بنفع ترا زجناب مسائل ماکرب

منفعت سیت که هر کس هر روز وقت بامداد این پنج سوره بگوید و فنتم گناه وسه خدا الله لی

او الله از فقر و بیماری و در خدا ایمن باید دنیا در پیش ارکان و به بیت اهل دنیا

و خواب و در پیش عامیان و مسلمان و در پیش آخرت کان عزیز و مکرم گردد و همیشه

با حرمت باشد و در پیش هر کس که گوید هر که حرف او در دل همه کس شیرین شکر حلاوت بگوید

و نان فراخ روزی گرد و در وقت خواب اگر سر برهنه باشد باین که سوره ها مذکوره ...

تمام می نماید و بسم الله العظیم در بدعت و در دل او بهر حکم اقدام نماید خداوند عالم برای ...

و حب گرد و بعد هم اول سوره نماید اول الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله

ثانی والنازعات در روز ثالث والطور و کتاب مسطور ... و النجم

اذا هوی خامس ... الی الغز ... مجرب

که از تمام المحبوبین عالم ... مجرب است ... و مشغول

مطالب و مقاصد و مجرب است ... مبارک میباشد

و باهم مجرب و دیگر ... طعم من

ع کاف

از بعض ... حکایت شنیده که ... کس ... و

کن خادق بعد درست گوید

محقق که در بعض ... ام که ...

لسیار ... آید

و ... که ... باشد باید که خامه ...

بوسه ... و ... و ...

بگواهد ... و ...

حال درست اول ... باشیم

حال درست اول ... باشیم

و هم چنین تا شب هفتم دید فرج و مخرج خلاصی برای او بگشاید و در نتیجه سبب خلاص او باشد

با و تمامیه پس از آن باب تمام از و قصه خلاص که محبوس بگوید و گفتن بر [illegible] دراز شود و این خبر

بر خواهر مر نوشته گفته بود شبی روزی مرا از این خبر با او آمدیم و گفتم و [illegible] سوره بگو هم

تا شب چهارم در خواب دیدم که گوینده ای مرا گفت که ملک ترا بر دست این ابراهیم [illegible]

[illegible] روز جوانی برویت من آمد که او [illegible] خشم و گفت [illegible] کرده ام و خلاص شده

و دست از آن حبس بیرون آورد و از قعر [illegible] رسیدم که او گفت دست [illegible] از او [illegible]

گفت جوانی است از [illegible] و او [illegible] آن ابراهیم [illegible] که ترا محبوس

کرده بود حق صحبت [illegible] از روی [illegible] بس کنیم [illegible] باشد چون دست [illegible] مردی

در میان [illegible] و از مروت [illegible] تا این کار را تمام [illegible] باب [illegible]

[illegible] از در [illegible] بود و از آن مجلس برخیزد [illegible]

این که [illegible] این صورت [illegible] باشد خورشید [illegible]

[illegible] باب [illegible] مطلوب [illegible] مطهر

یا مجیب یا حبیب یا باطن [illegible] اگر خواهی [illegible] عشق [illegible]

[illegible] اللهم اعطف المودة

والعشق والقبول فی قلوب کل مسلم و مسلمة صفة کل [illegible]

بنی آدم و بنات حوا علی صاحب التعویذ و صلی الله علی خیر خلقه

محمد و آله اجمعین باب [illegible]

[illegible] سوره انا اعطیناک [illegible]

باب دیگر [illegible]

باشد [illegible] مجرب است [illegible]

جهت کشف دزد نسخه و کور مطلوب
شعر
وارده که متفرق گردد شکست وح

۲	۱۰	۳
۷	۹	۶
۸	۱	۱۴

۱۴۸۲	۴ ۱۱ ۴	۸۲ ۴
۹۹۲		۹۱۴ ۲
۹۹ ۳ ۳	۱۹۴۲	۱۴ ۲

بیوح خروج خارج اخراج فهد
باب اگر خواهی که کسی را عشق خود بیقرار گردانی بنویس این نقش را که در میان
کوزه کهنه دفن کن اگر صد و بیست ساله باشد بیاید باب هر کس ... را
در کوزه آب بنویسد و ... دهن کس
ازان آب بخورد از ... خشم
و یا بعد ... را اگر قرض ... کوزه ...
مجرب باب از جهت ... و
رنش بنویسد بر سبیل ... باشد
هر چند ... شود مجرب
ادرا بنو ... باب دیگر
جهت ... دزد
... باب این ...
... اندازد
و هر ... در ... طرف

باب دیگر هر گاه خواسته ... اسیر احضار ...
... بیوح ... و ...
چادر ... سنگ ... در روی ...

بغیرت حضرت ... در ... باب
باید ... باشد
... نقش ...
انک انت علام الغیوب
اللهم ...

انا انطلقنا ...

دو ... [illegible]

ومن ثواب وضع الهموم اذا اردت ان يحجب الله عنك بصر غيرك ثم اذا فقل في كل يوم رب يا رب

العالمين اياك اعبد واياك استعين اسئلك باسمك العظيم الذي

تجليت به لموسى على الجبل فجعلته دكا وخر موسى صعقا ان

تصلي على محمد وآل محمد وان تطمس عني بصر من اخشاه وتمسك

لسانه وتختم على قلبه وتحبس يده وتقعده من رجله انك على كل

ومنها ما ذكره ابن القضاة في شهابه انه كان من دعاء النبي عليه وآله الصلوة والسلام

شيء قدير ايضا

في حفظ من شر كل ذي شر وهي هذا اللهم اني اعوذ بك من علم لا ينفع وقلب

لا يخشع ودعاء لا يسمع ونفس لا تشبع واعوذ بك من شر هؤلاء

الاربع اللهم اني اعوذ بك ان اضل او اضل او اذل او اذل او اظلم او اظلم

او اجهل او يجهل علي ومنها دعاء في الفارغة صب الله عليه وآله من دعا به اغاثه الله

واعطاه ثواب الف شهيد وهو قال يا مونس المستوحشين يا انيس المتفردين يا ظهر

المنقطعين ويا قوة المستضعفين ويا كنز الفقراء ويا موضع شكوى

الغرباء ويا منفردا بالجلال ويا معروفا بالنوال ويا كثير الافضال

اغثني عند كربتي وصلى الله على محمد وآله اجمعين

ومنها هيكل عظيم من كتاب ليالي الطهران ان النبي عليه السلام كان يقول لا ابالي اذا

قلته ولو اجتمع على الانس والجن وهو بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله وبالله

ومن الله والى الله وفي سبيل الله اللهم اسلمت نفسي اليك و

وجهت وجهي اليك فوضت امري واحفظني بحفظ الايمان

من بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي ومن فوقي ومن

بحقي وادفع عني بحولك وقوتك فانه لا حول ولا قوة الا بالله

العلي العظيم لديننا وفي كتاب [illegible] [illegible]

له الف الف [illegible] وفي [illegible] الف الف [illegible]

ثم الف الف [illegible] الف الف [illegible]

[illegible] العظيم [illegible] فاستاذن [illegible]

في زيارته فاذن له [illegible] فكان عنده ثلاثة ايام [illegible]

سبحان الله كلما سبح الله شيء وكما يحب الله ان يسبح وكما هو اهله

وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والحمد لله كلما حمد الله شيء وكما يحب

ان يحمد وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله ولا اله الا

الله كلما هلل الله شيء وكما يحب الله ان يهلل وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم

وجهه وعز جلاله والله اكبر كلما كبر الله شيء وكما يحب الله ان يكبر وكما هو

اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله سبحان الله والحمد لله ولا اله الا

الله والله اكبر على كل نعمة انعم بها علي وعلى كل احد من خلقه ممن كان او يكون

وصلى الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين من كتاب [illegible] اللهم اني

اسئلك بانك انت الله الواحد الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن

له كفوا احد [illegible]

كهيعص [illegible] حمعسق [illegible]

كذلك ثم تقرأ هذه الاسماء [illegible] وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب

من حمل ظلما ثم [illegible] ما ذكره ابن عباس في كتاب [illegible]

عن [illegible] انه من كانت له حاجة [illegible] فليغتسل ويلبس

انظف ثيابه ويصعد الى سطحه ويصلي ركعتين ثم يسجد ويثني على الله تعالى ويقول يا جبرئيل

يا محمد انتما كافيان فاكفياني وانتما حافظان فاحفظاني وانتما كا

كالئان فاكلاني بقوتكما ثم مرة قال الصادق حق على الله تعالى ان يقول احد

الذكر هنا الفصل التاسع في ادعية المسجون ونحوها روي ان الصادق عليه السلام علم عبد الله

رجلا مسجونا فخلص وهو الهي عظم البلاء وبرح الخفاء وانكشف الغطاء

وانقطع الرجاء الامنك وضاقت الارض ومنعت السماء وانت

المستعان واليك المشتكى وعليك المعول في الشدة والرخاء اللهم

صل على محمد وآل محمد اولي الامر الذين فرضت علينا طاعتهم و

عرفتنا بذلك منزلتهم وفرج عنا بحقهم فرجا عاجلا قريبا كلمح

البصر او هو اقرب يا محمد يا علي ويا علي يا محمد اكفياني فانكما كا

فياني وانصراني فانكما ناصراي يا مولاي يا صاحب الزمان

الغوث الغوث ادركني ادركني الساعة الساعة العجل العجل يا ارحم الراحمين

بحق محمد وآله الطاهرين وروي ان المحبوس اذا قرأ هذا الدعاء كل يوم سبعا

فرج الله عنه وهو يا من كفاني من جميع خلقه ولم يكفني من خلقه سواه

يا احد من لا احد له انقطع الرجاء الا اليك يا الله اغثني يا

غياث المستغيثين وذكر في رفع الهموم والاحزان يقال للخروج

اللهم اني اسئلك العفو والعافية والمعافاة في الدنيا والآخرة وصل في عقيب صلاة

الصبح اذا سلمت فسبح تسبيح الزهراء عليها السلام ثم قل ما مر ذكره في الفصل الاول ثم قل ما يختص

هذا الموضع فعن الصادق عليه السلام من قاله دخل الجنة من اي ابواب شاء ويكون في صحيفة

لا اله الا الله محمد رسول الله فليقله كل يوم عقيب صلاة الصبح الحمد لله الذي

اذهب الليل بقدرته وجاء بالنهار برحمته خلقا جديدا ونحن في عافية

منه بمنه وكرمه وجوده مرحبا بالحافظين ... وتقول

حياكما الله من كاتبين حفظتا هديتني ومنعت عني شر الك وتقول اكتبا رحمكما الله

بسم الله أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا

عبده ورسوله وأشهد أن الساعة آتية لا ريب فيها وأن الله

يبعث من في القبور على ذلك أحيى وعليه أموت وعليه أبعث

إن شاء الله اقرأ يا محمد صلى الله عليه وآله مني السلام آيات الشفاء من كتبها

وشربها برئ من كل داء وهي ويشف صدور قوم مؤمنين وشفاء لما

في الصدور يخرج من بطونها شراب مختلف ألوانه فيه شفاء للناس

وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين وإذا مرضت

فهو يشفين قل هو للذين آمنوا هدى وشفاء ذلك تخفيف

من ربكم ورحمة الآن خفف الله عنكم يريد الله أن يخفف عنكم

قلنا يا نار كوني بردا وسلاما على إبراهيم وأرادوا به كيدا فجعلناهم

هم الأخسرين ألم تر إلى ربك كيف مد الظل ولو شاء لجعله ساكنا

وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم ولا حول ولا قوة إلا

بالله العلي العظيم ومن كتب [illegible] لا يقربه خائف الكلب العقور قل يا معشر الجن

والإنس إن استطعتم أن تنفذوا من أقطار السماوات والأرض فانفذوا

لا تنفذون إلا بسلطان وخشعت الأصوات للرحمن فلا تسمع

إلا همسا وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما قال بعضها ومن كتب

الأئمة عليهم السلام عن الكاظم إذا دخلت على سلطان جائر تخافه فقل إذا نظرت إليه يا من لا

يضام [illegible] ولا يرام وبه تواصلت الأرحام صل على محمد وآله واكفني شره

[illegible]

ومن کتاب دفع الهموم والاحزان اذا خفت من سلطان او غیره فقل فی وجهه حسبی الله

لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم ومما یغنیها تقول

فی وجهه اطفأت غضبک یا فلان بلا اله الا الله ایضاً فقد فی وجهه کتبه الله

لاغلبن انا ورسلی ان الله قوی عزیز ایضاً دنه تقول اذا خفته ضرار الله

الله ربی لا اشرک به شیئاً فلا یضرک حرز آخر للعین من کتاب الله دعیه المرویة

فی عن الحضرة النبویة نزل جبرئیل علیه السلام فعوذ به الحسن والحسین علیهما السلام من عین اصابتهما وهو

اللهم یا ذا السلطان العظیم والمن القدیم والوجه الکریم ذا الکلمات التامات

والدعوات المستجابات عاف فلان من انفس الجن واعین الجن واعین

الانس وقال صلی الله علیه وآله وسلم لاصحابه تعوذوا به اولادکم ونساءکم فانه ما تعوذ المتعوذ

بمثله ابدا و فی دعاء یوشع ابن نون الذی ردت به الشمس وهو اللهم انی اسئلک باسمک

الطاهر المطهر المقدس المبارک المخزون المکنون علی سرادق العرش

وسرادق المجد وسرادق النار ان ادعوک یا رب بان لک الحمد لا

اله الا انت النور البارئ الرحمن الرحیم الصادق العالم الغیب والشهادة

بدیع السموات والارض ونورهن وقیامهن ذو الجلال والاکرام

حنان نور دائم قدوس حی لا یموت از برای کسی که در زندان محبوس گردد

باشد این آیه را بخواند هر روز در خوب باید تا کسی حرف زند تا چهل چهار روز هر روز

مرتبه که آیه نور السموات والارض مثل نوره تا آخر آیه اگر محبوس صدمه باشد او را سست باشد

بزودی خلاص شود اگر کسی بخواب رود و در خواب چیزی می بیند وقت صبح بیدار شود

انبوه با سولوکو بنده این خواب به نیکوی مبدل گردد وی بده اعوذ بما عاذ

به بلاء آنکه الله المقربون وانبیاؤه المرسلون وعباده الصالحون
من شر ما رایت رؤیای بیارد و می خوانند بکرر قل هو الله احد و دیگر سوره
معوذتین بخوانند مجرب است شرح پنج گنج روایت است از پنج گنج که این پنج گنج را
حضرت جبرئیل از حضرت رب العزت بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله آورد
و نیز منقول است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که چون کسی … این
پنج گنج را بخواند و در عهد … بر … کتاب آنچه که هیچ بنده نباشد
که قصد او کرده باشند و دشمن از برکت این … و ظفر شوند … پنج گنج این است
بدین اختیار نبشته شد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله واتوکل علی الله وافوض امری
الی الله ان الله بصیر بالعباد واستفتح بالله واستنجح بالله لا قوة الا
بالله وما النصر الا من عند الله شهد الله قل هو الله اللهم احرسنا
بعینک التی لا تنام واکنفنا برکنک الذی لا یرام وارحمنا
بقدرتک علینا ولا تهلکنا برحمتک یا ارحم الراحمین الگنج الثانی
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم من ارادنی بسوء فارده ومن کادنی
فکده ومن بغی علینا فاهلکه رب تقبل توبتی واغسل حوبتی
واجب دعوتی یا امان الخائفین یا الله یا رحمن یا رحیم یا قیوم
الگنج الثالث بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اهدنا من عندک وافض علینا من فضلک
وانشر علینا من رحمتک وانزل علینا من برکاتک ولعوذ بک منک عز
جارک وجل ثناؤک ولا اله غیرک یا قادر الگنج الرابع بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم احفظنا عن ایماننا وعن شمائلنا واجعل الوارث منا … واجعل
علی من ظلمنا وانصرنا علی من عادانا ولا تخذلنا وانت … یا رحمن

الکنج السادس بسم الله الرحمن الرحیم یا شاهداً غیر غائب ویا قریباً غیر بعید
ویا غالباً غیر مغلوب ویا خالقاً غیر مخلوق ویا رازق غیر مرزوق
ویا معبوداً غیر عابد اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وارزقنی
نعم الدنیا والآخرة یا حلیم یا ارحم الراحمین اللهم صل علی محمد وآل محمد
تمت کنج بسم الله الرحمن الرحیم ناد علیاً مظهر العجائب تجده عوناً لک
فی النوائب کل هم وغم سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی اللهم احفظ صاحب
هذا التعویذ من جمیع البلاء والعلل والمرض وعین الحساد وشر الجن
والانس بحق محمد المصطفی وعلی المرتضی والائمة المعصومین صلوات الله
علیهم اجمعین باب مستحب از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود اگر کسی در روز
چهارشنبه سوره [illegible] پیش از طلوع آفتاب بنویسد با خود دارد از دشمن [illegible]
و نفقه و نیزه و شمشیر نگاه دارد باید [illegible] که پیش از کشتن غسل کند و جامه پاک پوشد [illegible]
معطر [illegible] و در وقت کشتن بخور از صندل سفید با عنبر [illegible] بسوزند و در [illegible]
قبضه کند باید که در قبضه کمان و در قبضه شمشیر و خنجر بیاویزد و در زیر آن بنشیند [illegible]
و [illegible] و بدان بالد [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم
یا معبدها انتاه اذا ابرز الخلائق لدعوتهم مخافتهم و چون خواهد
شروع در کشتن کند باید [illegible] را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم السلام علیک یا قرة
عینی ویا نور بصری ویا حبیب قلبی یا رسول الله صلی الله علیه وآله
[illegible] شروع در [illegible] معظم و محترم کند [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی

اعوذ بك من شر هذا الشهر ومن شر كل شدة وبلية

اللهم فانقذنی منه یا دهر یا دیهور یا دیهار یا ازل یا ابد

یا کان یا کینون یا کینان یا مبدئ یا معید یا ذا العرش المجید

انت تفعل ما ترید اللهم احرس بعینک نفسی واهلی ومالی

وولدی ودینی ودنیای اللهم انت ابتلیتنی بصحبتها بحق الابرار

والاخیار برحمتک یا ارحم الراحمین بحرمة اللهم صل علی محمد وآله بعدد

شهور الصغر وایامها واجعلنی خاشعا من عذابک لتسخر آوازه سعید

درزیر زانوی خود که ابو اوراحی شعد اگر بیتو بند در زیر زانوی محمد لذا بو زقو زقو بر خیرد و شغال از

یا سبح محمد مکاکج مر حسره ه بره دیگر در طرائف منت ... جهت

که از مجربات است و در همه تجربه شده است از برای هر مقصدی از تحبب و تعرف و تعشیق

و عداوت ... و محفوظ بودن از بلیات و مقبول القول بودن و عقد لسان از برای هر مقصود

که وجود ... از برای هر مطلب ... مناسب است رعایت نموده در ان ساعت اختیار نماید

اگر از جهت عداوت باشد بنویسد در مقابر کهنه دفن نماید از برای تحبب و تعرف در منازل

آن شخص دفن نماید و جهت خرید و فروخت نوشته در دکان ... کند از زر و طرائف ... آیت

۲۱ط	۱۹ن	۱۷م	۱۰ج	۱۱۳
	۲۱ط	۱۹ض	۱۷ع	۱۳ج
		۲۱ط	۱۹ن	۱۱ه
			۲۱ط	۱۹ن
				۲۱ط

که در بالا ... بسم الله ... بنویسد

باب دیگر هر که این اسم ها را ... در

جیب نویسد و با خود نگاه دارد ... از کرد ... جن او شرع جز دهد اگر خواهد

تمهون

تهون سرد لا ... کنیه توره تموده ... زهر ... در

من هب هب

۲۱ ۱۴۲ الا الا ... [illegible]

مهطسکصوام هطس لص

دار ... [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

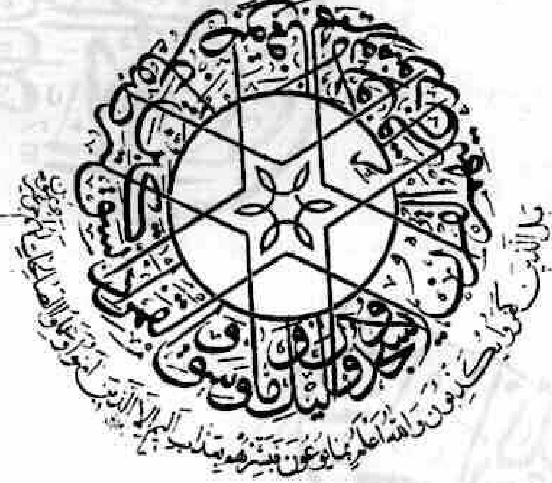
إذا جاء نصر الله والفتح ورأيت الناس يدخلون في دين الله أفواجا فسبح بحمد ربك واستغفره

إنه كان توابا

فسوف يدعوا ثبورا

ويصلى سعيرا إنه كان في أهله مسرورا إنه ظن أن لن يحور

بلى إن ربه كان به بصيرا فلا أقسم بالشفق



إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات لهم جنات تجري من تحتها الأنهار

ذلك الفوز الكبير

إن بطش ربك لشديد إنه هو يبدئ ويعيد وهو الغفور الودود

ذو العرش المجيد فعال لما يريد هل أتاك حديث الجنود

فرعون وثمود بل الذين كفروا في تكذيب

والله من ورائهم محيط

بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ

و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که شب را صحوله و ورد و بیش بکشد اگر
عقیق بشد بیش از آنکه لطرش برکر افتد نگین را کاتب کف دست عقو بکر زند و دور
و با و نظر کند و سورۀ انا انزلناه بسوره تا آخر بخواند بعد از آن بنشین بگوید امنت بالله وحده
لا شریک له وکفرت بالجبت والطاغوت و امنت بسر آل محمد و
علانیتهم وظاهرهم وباطنهم واولهم واخرهم و تسکنه با تمام برسی
خداوند عالمیان او را نگاه دارد و در آن روز از شر آنچه از آسمان ظاهر شود و آنچه بالا
میرود بسوی آسمان و آنچه بزمین فرود می آید در حفظ و حمایت خدا باشد مجرب است از
بجهت هر علتی هفتاد مرتبه حمد را بخواند بر سر مریض و مدتی شفا یابد و باب بجهت درد سر ا
ب مجرب است بر خشت خام بنویسد و آنرا در حوض آب بیاندازد و چون
خشت بگذارد درد عاجت زایل گردد بسم الله الرحمن الرحیم
وقل الحمد لله سیریکم ایاته فتعرفونها وما ربک بغافل عما تعملون
بجهت ضرر رسیدن بندوق اینها بر قرطاس وتعلقها علیک فان السیف والنشاب
والبندوق لا یؤثر فیک فاذا اردت ان تجربه فاکتبه وعلقه علی فرس او علی بهیمة
وتضربه بالسیف والنشاب والبندوق فانه لا یعمل فیه شیئا ابدا وقد جرب مرارا
کثیرة فصح و هذا الکتب من اسمائه اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم
سبحان الذی یسبح الرعد بحمده والملائکة من خیفته وهو علی کل
شیئ قدیر واعتصمت بالله بالف الف لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
کما عقلت لسان العقرب والحیة ولسان الحیة وعین الکافر فیقول اشهد العقرب
ان لا اله الا الله محمد رسول الله علیه و آله تب وک ل ت

مم مم مم ههه ه ل ل ال ی ل ع ۱۱۱۱ ا۱۱۱م ۸

در روز پنجشنبه در رجب هشتم شهر صفر المظفر در سنه ۱۲۹۴ در مدرسه جده ام سرکار ... و در ... ...

... هرکس این اسم بعد را مداومت نماید در مدت چهل چهار روز
در هر روزی چهل چهار مرتبه بخواند ابواب فتوحات غیبی و در رزق بر روی وی گشاده
گردد و اگر کسی در مجلسی به همین عدد بخواند که حاکمش مشغول بود کسی را بخاند به جای او عزیز
می شود و خیر این عظیم است همه خلایق محتاج او گردند اسم بعد این است بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلك بحق الغنی علیك یا غنی الکریم
الوهاب ذو الطول فلا ینفصل شیء من خزائنه یا غنی 146
و هر کس که در بازو بندد بنویسد در کسبه نگاه دارد مجرب است بسم الله
الرحمن الرحیم ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل
ذو الطول ذو الطول
ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل
ذو الطول ذو الطول
ذو الطول ذو الطول ذو الطول
سوره ... بخواند هر روزه یوم الاحد
یوم الثلاث ... مجرب است ... اللهم اغننی بحلالك عن حرامك
یوم الاربعا و لیله الاحد ... مصطفی و بفضلك عن سواك ۹۹۹۹
یوم الخمیس و لیله الاثنین ... ۹۹۹ ...
یوم الجمعه و لیله الثلاث ...
و ... یوم السبت ... فقل سبحان ولقد مکنا کم فی الارض
وجعلنا لکم فیها معایش قلیلا
...

یا نارکونی یا قهار ابراهیم

یانارکونی	ابراهیم	علی وسلاما	سلاما بردا
علی وسلاما	سلاما بردا	یانارکونی	ابراهیم
بردا سلاما	علی وسلاما		یانارکونی
ابراهیم	یانارکونی	سلاما بردا	علی وسلاما

بجهة دفع بهر دو نوع خشم رفع بدن
و حسودان و مکاران و بادر بستن زن
مرد ما بستن کار رسته باشد
زیر دست ظاهر و در شخص آن اکو
با خود دار روز با ... او ... آدم
و نبات ... روی بسته کرده و اگر
زیر ... بار قند ... کعبه

کوزه و هر کس ... کوزه و باد ر بستن زن شوهر بسته با یکدیگر مهربان گرددو

و هر کس با خود دارد عزیز محترم گردد یا ودود یا ودود یا ودود یا فعال لما یرید

یا ذا العرش المجید اسئلک بنور وجهک الکریم و باسمک العظیم الاعظم

اهیا شراهیا علیا ... انهم

اذونی اصباوتی ال شداى وبحق توراة موسى وانجیل

عیسى وزبور داود وفرقان محمد المصطفى وبحق جمیع انبیاء

وملائکه کلهم اجمعین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم هذا

یوم لا ینطقون ولا یؤذن لهم فیعتذرون ... که در ... باشد

و یا ... باشد که از عهده او نتواند آمدن این قرائت او را دعا نماید چند روز

البته ... خلاص شود اذا ادوا ما کان ادید فتوبی اله من ربه

مراد ... هر چند ... خلاص ...

از ... انا کفیناک المستهزئین ... خلاص ...

تا ... روز هر روز ... بار هر شب بخوید یا درد ... مجرب است

هر کس ... هر روز چهل یک سوره والتین بخواند ... البته از عالم غیب ...

جهة درد دندان اگر خود شیره برگ گردکان دندان را با دندان سخت شود و گوشت رفته برویید و درد

اجزای مذکور مساوی باشد دیگر صندلین کهربا هر یک و دندان مزدد جمله روغن چنان کند بهتر خواهد شد رگ گزار

تخم مرو تخم خرفه کفل رطل تشیر جهة باه و قولنج ریاحی و بادهایی که عارض شده باشد نکو و اجزای مذکور هیل

مقل ازرق ارزوارتیگ اینها را با عسل ممزوج کرده هر روز در شب قدری بخورد خوب خواهد شد

جهة درد کمر و قوه باه دارچینی را اگر بیند خوب صندلین کهربا و مرغانه سوخته سفید برآورده و در تخم آن از هر

بر زرده مرغانه ممزوج کرده بخورد اثر عظیم دارد و بسیار مجرب صفت حب که جهة دردهای کزند نفوط

او کرده باشد بسیار قوه می‌دهد و جهت محرکست معجون نمک سنقاقل قدری تخم سیاه از

قدری کشنیز خرما مجموع مساوی سبوس کوفته با عسل ممزوج کرده و خمیر نموده حب سازند و در وقت

حاجت با مجامعت یکمرتبه از آن در دهان گردد با نافع و لذت بر ده مرتبه مفرح جهت نشاط

نشاسته کثیرا صمغ عربی تریاک رب السوس حب نخود مروارید کهربا قوت یاقوت

همه را ممزوج بهم حب سازند در وقت خوردن بجای آب تأثیر دارد و حب اللفاقیه با دماغ

رفع کند و همچنین دانوم نماید قولنج را باشد یدر رنگین و نقش و دارچینی فلفل دار فلفل زنجبیل مصطکی

از هر یک یک مثقال سقمونیا هشت مثقال قند سفید دو مثقال کوفته همه را با قند با یکدیگر ممزوج

و خمیر حب‌ها سازند هر حب بقدر مقدار نخودی و در شب کرده بخورد رفع کند مجرب جهة قوة

باه تخم سیر دانه را سه مثقال بکوبد با روغن بکوبد و بمالد که قوه دهد با آب دیگر

از قول رسول صلی الله علیه و آله از جهة لب آمدن بول یا در شب بر خوب خواب بجای بول آید پیاله

دانه سه در آفتاب بخورد حضرت فرموده که من از سه شب می‌خوانم برای رفع ضعف ناپاکی

درد سر وازار خشم وضد درد شکم و هیچ دردها ندارد تا شاه مرا با آن شفا می‌دهد بسیار مجرب

جهة قوه باه مجرب و آزموده که نرینه را قوی کند سفیده بگیرد صمغ عربی با شکر ممزوج بهم سه روز

ناشتا بخورد قدری زیاده شود دیگر آورده شد که حضرت سلیمان هشتاد زن داشت هر روز

سفیده مرغ تنها ناشتا میدی و در هر سفیده یکدرم فلفل گردی یکدرم زنجبیل و یکدرم دار فلفل

و یکدرم تخم ترب با هم دیگر صلایه نموده و هر سفیده یک جمله در وقت تنها ناشتا می‌خورد

هر شب چهل زن صحبت می‌کرد

بسم الله الرحمن الرحیم

بسند معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق عم عرض نمود که هشت دختر مرا بهم رسیده و روی پسر تا حال ندیده ام دعائی بفرما که خدا مرا پسری کرامت فرماید حضرت فرمود شب که میخواهی بنشینی مشغول جماع شوی دست خود را از طرف راست ناف زن بگذار و هفت مرتبه سوره انا انزلناه را بخوان و بعد از آن مشغول شو چون حامله شود در هر شب هر وقت که از پهلو به پهلو گردی باز دست بر جانب راست نافش بگذار و هفت مرتبه همان سوره را بخوان آن شخص گفت که چنین کردم هفت پسر پی در پی خدا مرا روزی کرد انتهی بسند معتبر منقولست از ابو عمرو که گفت بسیار حالم پریشان شده از فقر و از قرض و احتیاج عریضه بخدمت حضرت محمد تقی عم نوشتم و احوال خود را بآن بزرگوار اظهار کردم حضرت در جواب نوشته بود مداومت کن بر قرائت سوره انا ارسلنا نوحا الی قومه راوی میگوید من بهمین مداومت کردم تا یک سال اثری از آن ندیدم باز دیگر بخدمت آنحضرت نوشتم حال خود را عرض کردم از خواندن آن سوره که نفعی بمن نرسید حضرت بمن نوشتند اگر یکسال خوانده کافیست حال سوره انا انزلناه را بخوان [illegible] تا تاثیر ببخشد و حب الخیر حاصل آید تا حالت میگوید میگوید من چنین کردم

بعد از اندک وقتی این ابیات دادو قرضم را ادا کرد و وظیفه برمن و عیالم مقرر کرد و مرا وکیل
کرد به بصره فرستاد و پانصد درهم برای من مقرری قرار داد و من در بصره نامه نوشتم
بخدمت امام علی نقی ع و بعد این مهر را دادم فرستادم و در آن نامه نوشتم که بیان
حال خود عرض نمودم و بمن چنین نوشته و عمل کردم و حالم خوب شده است میخواهم بفهمم
که آیا اکتفا کنم در خواندن سوره انا انزلناه در نمازهای واجب و سنت یا در غیر نماز
هم باید بخوانم اندازه و مقدار بشود بعد از حضرت در جواب نوشتند که هیچ سوره را
از قرآن ترک مکنید کوچک باشد یا بزرگ و از خواندن انا انزلناه در هر شبانه روزی
صد مرتبه کافیست ایضا بسند معتبر از حضرت امام موسی کاظم ع منقولست که هر که ده مرتبه
بعد از نماز عصر سوره انا انزلناه را بخواند مثل اعمال جمیع خلایق از ثواب در کرامت
و بسند ایضا بسند معتبر منقولست که حضرت امام محمد تقی ع چون در ماه تازه داخل میشدند
در روز اول ماه دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد
و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه انا انزلناه فی لیلة القدر میخواندند و بعد از نماز
آنچه میسر بود تصدق میفرمودند و سلامتی آن ماه را باین عمل میخریدند ایضا مرویست
که در حادثه روزگار کار بر تو مشکل و دشوار گردد بخوان [illegible] این آیه را با چهل بعد هر روز

پنجاه و دوم مرتبه از سر صدق بخواند البته که کار به حاجت میابد لاشک ولا شبهه و من یتق الله یجعل له

مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء

قدرا ایضا بسند موثق مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هرگاه کسی

برنجی در مانده باشد و برنجی گرفتار شده باشد امیدوار بخواند که از آن بلا و رنج خلاص یابد

و محنت او به شادی مبدل گردد اللهم برحمتک ارجوا فلا تکلنی الی نفسی طرفة

عین و اصلح لی شانی کله لا اله الا انت و هم آنحضرت فرمود که در وقت

اندوه و غم باید گفت که الله ربی و لا اشرک به شیئا ایضا از حضرت امیر المومنین

علی ابن ابیطالب روایت کرده است که گفت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که چون

نازله حادث شود باید که در نماز شود بگوید لا اله الا الله العلی العظیم سبحان

الله رب السموات السبع و رب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین ایضا نقلست

که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اندوهی و غمی بودی گفتی حسبی الرب من العباد

و حسبی الخالق من المخلوق و حسبی الرازق من المرزوق حسبی من هو

حسبی حسبی الله و نعم الوکیل لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش

العظیم و هم آنحضرت فرمود که هیچ کاری بر من دشوار نشد الا آنکه جبرئیل علیه السلام

و نظر من متمثل گشت و گفت: محمد قل توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد
لله الذی لم یتخذ ولداً و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی
من الذل و کبره تکبیراً و هم آنحضرت هیئت گفت لا خلاف ان هذا هو الاسم
الاعظم یا حی یا قیوم برحمتک استغیث ابوالحسن مقری روایت میکند که آشنائی
داشتم ابواحمد نام که در تبحر علم قرآن و تحصیل وجوه قرائت بر دیگر صاحبان مسلم بود و تعویذ محبت
نوشتی و در آن شیوه معتقد فیه بود و بواسطهٔ مودت و قلوب محبت در میان دلهای
مردمان محبت حاصل میشد روزی با وی نشسته بودیم و با صحبت که دل اشتغال
ناگاه دیدیم غلامی صاحب جمال در آمد سلام کرد علیکش شنید آمد نشست با خیلی خوب
و خوش خلق و خوب روی و صاحب کمال و ادب که بی نهایت داشت لهذا عکس از چهره اش
نمایان بود را ملاحظه رو کرد با بو احمد گفت یا شیخ من غلام خلیفه بغدادم و دلش
خلیفه بغداد تعلق بی نهایت داشتم هرچه مساعده میکردم قبول نمیکرد و دشمنی برای من
پیدا گشت آنقدر که بود که مرا از خلیفه الجدا نمود اکنون طلب درباره خلیفه از من گشت
مرا از دربار سرای خود اخراج کرد الآن میخواهم از آیات قرآن چند فقرات بنگاری گفت
و تعویذ عطف محبت از برای من بنویس تا خداوند مهر من به من مهربان شود و مرا در جای

خود بمقام اول رسانید ابو احمد میگوید حرف غلام در دلم اثر نمود و راسخ شد سخن آنچه شنیده ام
و آنچه رسم بود در تعویذ محبت نوشتم و تعویذ این آیات سوره فاتحه و معوذتین و آیة الکرسی
و آیه لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره و لو انفقت ما فی الارض جمیعاً و من آیاته ان
خلق لکم من انفسکم ازواجاً تا آخر آیه و اذکروا نعمة الله علیکم اذ کنتم
اعداء تا فانقذکم منها اینها را نوشتم تعویذ کردم گفتم ببر با طهارت بر بازوی
راست خود به بند و دل در رحمت خدای لایزال به بند تا در لطف خود بروی تو گشاده
گرداند و آن رقعه را از من فرا گرفت برخواست و دیگر بار در پیش من نیامد و از من عذر بخواست
و رفت نه ماه بر این قرار بگذشته بود غلام پیش من آمد با طمطراق و شوکت و چندین نفر نوکر
در عقبش کیفیت گذارشات بمن اظهار نمود که شیخ بحرمت تعویذ تو با کرم خود
مرا بمقام اول خودم رسانید و صد دینار در برابر من نهاد برخواست و گفت ای شیخ
واجب کردم بر خودم هر سال مبلغ خطیری بتو رسانم بسند معتبر مرویست که راوی
معتبر القول و مقبول الشهادة میگوید آن وقتی که ابو جعفر منصور ابراهیم ابن
عبدالله را بقتل رسانید فرمود تا مرا و جمیع آل ابوطالب را از مدینه بکوفه آوردند
امام جعفر صادق علیه السلام را بمجلس خود احضار فرمود و من هم بخدمت جناب جعفر بن محمد الصادق

بودم آنحضرت را در صدر مجلس و در پیش خود نشانید گفت یا بن ابی طالب انت الذی
یعلم الغیب حضرت فرمود نعم یا بن منصور از این تحقیقات ای سید علم
غیب ما را مقصود و مطلب چیست گفت مطلب این است که میخواهم شجره نبوت
و ولایت را از بیخ بر کنم ترا و جمیع آل ابوتراب را به قتل رسانم حضرت فرمود
از پدرم خبر و الله العلی العظیم که موی از سر اولاد ابوتراب کم نخواهی کرد همان ساعت
ربیع حاجب که وزیر خود بود گفت ای ربیع حاجب خارج کن از مجلس من اولاد
ابوطالب را و بسپار به دست جلاد و بنهاد تا سر او را قطع نماید راوی گوید من بر خویش
اقدام نزدیک نمودم از خود بیخبر شدم همان وقت دیدم که لبهای مبارک حضرت فرزند
رسول الله جنبانید دقیقه نگذشت که جعفر منصور از قتل آن بزرگوار گذشت
وارد دستش و بسیار پشیمان شد گفت ای مولا از تقصیر من بگذر نزدیک تعجب از آن
کار دنیا و آخرت بشم حضرت از مجلس او بیرون آمد به منزل خود رسید
برادرم عرض کردم یا بن منصور رسول الله در مجلس جعفر منصور در حال غضب او
لب مبارک می جنبانید آنچه بود که به برکت خدا تعالی شر او را از تو کفایت
کرد امام جعفر صادق علیه السلام فرمود تو هم مرد مقدسی که محبت و مودت در دل بسیار
داری به اهل بیت عصمت تو هم از آنچه ائمه خواندم آن حرزی بود که اسم اعظم ا

از جد بزرگوار ما که پیغمبر صلی الله علیه وآله باشد بما رسیده است آنرا همیشه از غیر اهل مخفی داریم
که او را دعای فرج خوانند که رسول صلی الله علیه وآله کار سخت هر آینه پیش آمدی
این دعا را میخواندی مطلبش حاصل میشدی ان شاء الله طبقه هفت آسمان و زمین با بدین دعا محکم
و معلق و ثابت اند و بهر نیت که شروع میکنی هفت مرتبه بخوان با طهارت البته که مطلب
آید بس بالقطع بلا شک بلا شبهه کفایت میدهد و آن دعا این است دو رکعت نماز حاجت
بگذارد و بعد شروع نماید بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم احرسنی بعینک التی لا تنام واکنفنی برکنک الذی لا یرام
وارحمنی بقدرتک علی ولا اهلک وانت رجائی فکم من نعمة انعمت بها
علی قل لک بها شکری وکم من بلیة ابتلیتنی بها قل لک صبری فیا من قل عند
نعمته شکری فلم یحرمنی ویا من قل عند بلیته صبری فلم یخذلنی ویا من رآنی
علی الخطایا فلم یفضحنی اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وبارک
علی محمد وآل محمد کما صلیت وبارکت وترحمت علی ابراهیم انک
حمید مجید اللهم اعنی علی دینی بالدنیا وعلی آخرتی بالتقوی
واحفظنی فیما غبت عنه ولا تکلنی الی نفسی فیما حضرته یا من لا تضره الذنوب

ولا ینقصه المغفرة هب لی ما لا ینقصک واغفر لی ما لا

یضرک انک انت الوهاب اللهم انی اسئلک الغنی عن

الناس ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بدانکه بسند

موثق مروی است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند که هر که صد آیه بخواند

از هر جای قرآن که باشد و بعد از آن هفت مرتبه یا الله بگوید اگر بر سنگی دعا کند

خدا او را البته کافی فرماید و بسند معتبر از حضرت موسی علیه السلام منقولست که هر که از بلیه بترسد

از هر جای قرآن که باشد صد آیه بخواند بعد از آن بگوید سه مرتبه اللهم اکشف

عنی البلاء البته که خدا آن بلا را از او دفع نماید باب دیگر اگر کسی خواهد

چیزی را در خواب ببیند با وضو در وقت خوابیدن بخواند و بخواند البته میت را در خواب

ببیند هر چه سؤال کند میگوید اللهم انت الحی الذی لا یوصف والایمان

یعرف منه منک بدأت الاشیاء والیک تعود فما اقبل

منها کنت ملجأه ومنجاه وما ادبر منها لم یکن له ملجأ ولا

منجا منک الا الیک فاسئلک بلا اله الا انت واسئلک

ببسم الله الرحمن الرحیم وبحق حبیبک محمد صلی الله علیه وآله

انجمن استجاب

مبتلا

سید النبیین وبحق علی خیر الوصیین وبحق فاطمة سیدة

نساء العالمین وبحق الحسن والحسین الذین جعلتهما

سیدی شباب اهل الجنة صلوات الله علیهم اجمعین ان تصلی

علی محمد وال محمد وان ترینی میتی فی الحال التی هو فیها

ایضا کسیکه بمرض مبتلا باشد ومعالجه اش دشوار باشد باید که وضو بساز و غسل کند

و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوشد و بر تخت خواب پاکیزه بخوابد و دو رکعت نماز

بخواند و بخواند سوره الم نشرح یازده بار و یازده بار سوره والضحی و بعد بگوید

اللهم ارزقنی مناماً وارؤیتی واجعل لی من امری فرجاً ومخرجاً

واگر در شب اول دید ملتوی [illegible] والشمس و واللیل را هفت مرتبه هفت مرتبه

و آن سوره ها ختم نماید تا بعد هفت شب ترک ننماید و واقع خود را در خواب ببیند

ایضا اگر کسی خواهد که یکی از پیغمبران یا ائمه علیهم السلام را در خواب ببیند باید دو رکعت نماز

بخواند سوره والشمس و واللیل و سوره قدر و چهار قل را هر یکی را یک مرتبه بعد از آن

صد مرتبه توحید و صد مرتبه صلوات و استغفر بسیار مستحب است با وضو بخوابد که

آنکس را در خواب ببیند و ایضا منقول است کسی خواهد که امری را متوجه

بسم الله الرحمن الرحیم

در جمعه خصوصاً ... که دعای کبیسه ... داره ...

دعای کبیسه در هفتم هر ماه

ان تقرضوا الله قرضا حسنا ... [illegible]

... از ان خوب ... [illegible] ... در وقت خوابیدن با وضو در جانب ... بخواند

افحسب الذین کفروا تا آخر سوره کهف بعد از آن بگوید اللهم صل

علی محمد وآل محمد وارنی ... ان کان لی فی کذا مطلب

ثم ببرد خیره وان کان لی فی کذا مطلب را بگوید شرا فارنی سوادا

دعای کبیسه

وحمره بعد از آن بخواند اگر سفیدی و سرخی در خواب ببیند خوب است آن امر را اگر

سیاهی و سرخی ... دعای کبیسه در هفتم هر ماه باید بنویسد

با خود دارد یا فتاح یا رزاق یا غنی الکریم والوهاب وذی الطول

یا واسع رزاق العباد بسم الله الرحمن الرحیم ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل

ذو الطول

ل ل ل ل ل ل ل ل ل ذو الطول

ذو الطول

ذو الطول ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ذو الطول یا غنی یا ولی

یا وفی یا علی یا ملی یا مستطیع یا منیع یا معید یا وحل

... اللهم افتح وانزل علی فلان بحق النبی وآله الکرام

... کسه ... اردو ... تمام شد

ایضا دعای کبیسه که در جمعه در میان نماز ظهر عصر باید نوشت مجرب است ...

... الله ... تمام

درکی ...

در کتاب بحر المنافع آورده اگر کسی را مهمی در مانده باشد یا در ورطه افتاده باشد و راه بدر

خود را نداند یا در بند و زندان گرفتار باشد این آیه را ورد خود سازد خدای تعالی مهم او برآید

بر او بسته وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد الهی بحرمت آن مرد که به

غربت و همی که او در دهن مار رفت و رزق داد از غیب و به کر عنه مشغول است چنانک زنخ و دامان

مصطفی کریم حاجت من برآید. شیخ آورده که در بیان فریضه و سنت حدیث زنجیر من

بسوی المغالب الی المفاد بر هم حاجت او برآید و از ورطه که در آن افتاده خلاص شود

و اگر در زنجیر حبس شده باشد بر آن بخواند و از ما بجنباند آن زنجیر بقدرت الله تعالی از هم بریخته

گردد فصل چهارم در دفع زبان بد و عقد لسان در در مکنونه آورده بجهت عقد لسان بد را — جهت عقد اللسان

نوشته بخود دارد بسمله طه طه طه طه حم حم حم حم حمعسق حمعسق حمعسق

حمعسق طسم طسم طسم طس ن والقلم وما یسطرون چهار بر کهیعص

کهیعص کهیعص کهیعص الیوم نختم علی افواههم وتکلمنا ایدیهم وتشهد

ارجلهم بما کانوا یکسبون صم بکم عمی فهم لا یرجعون ورد الله الذین کفروا

بغیظهم لم ینالوا خیرا وکفی الله المؤمنین القتال وکان الله قویا عزیزا

ایضا هر صبح و شام بخواند زبان اعدا بسته شود و این حرز را از حضرت امام زین العابدین

در مهج الدعوات روایت کرده بسمله سد دهان افواه الجن والانس والشیاطین
والسحرة والابالسة من الجن والانس والسلاطین ومن یلوذ بهم بالله العزیز الاعز
وبالله الکبیر الاکبر بسم الله الظاهر الباطن المکنون المخزون الذی اقام به السموات
والارض ثم استوی علی العرش بسمله ووقع القول علیهم بما ظلموا فهم لا ینطقون
ما لکم لا تنطقون قال اخسئوا فیها ولا تکلمون وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب من حمل
ظلما وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه
وفی آذانهم وقرا واذا ذکرت ربک فی القرآن وحده ولوا علی ادبارهم نفورا واذا قرأت
القرآن جعلنا بینک وبین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا
من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون الیوم نختم علی افواههم
وتکلمنا ایدیهم فهم لا ینطقون لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم
ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین نوع دیگر

ایضا نوع دیگر

این عزیمت را نوشته با خود دارد زبان بد اندیشه کرد و عقلت لسان بنی آدم و بیان خواندش
افواههم من صغیر او کبیر وذکر او انثی وحر او عبد علی حامل هذا الدعاء ابن فلان ابن فلان
الواحد القهار الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
صم بکم عمی فهم لا یبصرون عقدت لسانهم وسددت افواههم بحق کهیعص حمعسق

حم عسق وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ختم الله علی
قلوبهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوه و بالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الا انی
انتم نصیر الا موی عقدت عقدا شدیدا لا ینفتح الی یوم القیمه الشاد کانهم حمر مستنفره
فرت من قسوره الساعه الساعه الساعه الربع الرجا الرجا العجل الفا بنویسد این مهرا
بجهت عقد لسان ودر زیر سنگ گران نهد به نیت هر که خواهد زبانش بسته گردد وزن طاعت
و مجرب است ودر نسخه دیگر در مهر او به جای در خانه اول دو دو دو س س ش ودر خانه دویم طط
ص ص ع ع ف ف ودو سطر نوشته
عقدت و بستم لسان فلان ابن
فلان وجعلنا من بین ایدیهم سدا
ومن خلفهم سدا الا آخر الله

عقدت
لسان فلان ابن فلان
وجعلنا من بین ایدیهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشیناهم
فهم لا
یبصرون

و در مجربات نقل آورده که هر که زنا عاقبت چشم زخم میان دشمنان یا بنده از خواجه بر سد
دیا از زبان حسودان بیدی اندیشد یا زن از ناساز کاری شوهر یا زیر دستی از زبر دستان
بمانکه باشد اید را نوشته بخود دارد زبان آدمیان برو بسته و جمله بروی مهربان شوند
و چشم همه عزیز می نماید دعا این است که با و د و د یا و د و د یا و د و د یا فعال لما یرید

عقد اللسان

یا ذا العرش المجید اسئلك بنور وجهك الکریم واسمك العظیم الاعظم

ااا ٧ ااااا ٦ ٩ ١ ٧ ااا ٦ ااا ٣ لهم علینا بها هیا شراهیا

اذونی اصباوثا یل شدای بحق توریة وانجیل وزبور وفرقان وصحف

انبیاء وملائکه کلهم اجمعین ولاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم هذا یوم لا ینطقون

ولا یؤذن لهم فیعتذرون لیلة آورد بجهت عقد اللسان وقیستکه آدم که بر جانب گردد — عقد اللسان

به هفت روز موم را به نیت هر که خواهد در دهن گیرد و محکم بدارد که کسی بخاید تمام کند و بعد

چون نزد آتش بود باتش عصبه کرد و فصل پنجم در دفع غرق شدن و تلاطم و موج دریا

و دفع ضرر آتش و آب و باد و تیر و نیزه و شمشیر بجهت ایمن از غرق شدن کشتی و تلاطم

در وقت سوار شدن بر کشتی بخواند بسم الله و ما قدروا الله حق قدره الی قوله سبحانه

و تعالی عما یشرکون بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور شکور بجهت دفع تلاطم و موج

بخواند یا حی لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین پس آیة الکرسی بخواند و از

حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون بر کشتی سوار شوی بگو بسم الله الی آخر الآیه بدر چون

دریا موج آید بر جانب چپ تکیه کن و بدست راست کنار به سوی موج اشاره کن و بگو قوی

بقرار الله و اسکنی بسکینة الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و در بعضی

(ادامه دارد)

روایات وارد شده است که در وقت اضطراب و تلاطم دریا بنویسد بسم الله اقرا اسکن بسکینة الله
وقوی بوقار الله و هدء باذن الله و لا حول و لا قوة الا بالله راوی گفت من مکرر
بکشتی سوار شدم و در وقت تلاطم و امواج دریا آنچه حضرت فرموده بود خواندم پس دریا ساکن
میشد چنانچه گویا هرگز نبوده است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که هر که از غرق
ترسد بگوید بسم الله مجریها الی آخر الآیه بسم الله الملک الحق و ما قدروا الله حق قدره الی قوله تعالی
عما یشرکون و در حدیث دیگر از آنحضرت روایت است که هر کس از سوختن ترسد این آیه ان ولیی الله الذی
نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین آیه و ما قدروا الله حق قدره آخر بخواند
ایمن گردد و بجهت ضرر آتش و اطفاء آن در خواص القرآن مذکور است که بجهت دفع سوختگی آتش
بر برگ مورد نویسد افرایتم النار التی تورون الی قوله للمقوین از سوره واقعه
در سایه کند تا خشک شود پس آنرا با روغن آمیخته بر سوختگی آتش طلا کند بزودی شفا یابد و بر
و بجهت دفع ضرر آتش تکبیر فرموده اند و گویا اذهب الباس رب الناس اشف
انت الشافی لا اله الا انت و در کتاب مکنونه آورده که هر که این حروف را در چهارم
نویسد و در دیوار خانه محکم کند آنخانه از بیم سوختن و دزدی در زمان در امان میماند
این است ا د د و ... و گاه هم چنین عاملان علم حروف و صاحبان این فن گفته اند که هر که

این شکل بر چوب نقش کنند اهطخفش بنویسند و در آتش افروخته اندازند آتش فرو نشیند

و اگر در موضعی که آتش گرفته باشد از آن در آنجا افکنند آتش فرو نشیند و در مجمع المنافع آورده

که افسون هند برابر سوختگی آتش بخوانند بر خوشی شفا یابد ... اک اکت بر جلی اکد ...

حکی لنتها دنهارا کیا بخشر سون انار نون جون بالس مرعی بستار

لیفا کعتب که در جایی اگر آتش گرفته باشد بسمله را تا آخر بر سفال آب نرسیده سه مرتبه

بخوانند و در آتش اندازند فرو نشیند لیقعا آورده اند که اگر بسمله بر پاره سفال آب نرسیده

سه مرتبه بخوانند و در آتش اندازند فرو نشیند و نسخه دیگر بسم الله ...

الرحمن ... الرحیم ... صد بر آتش بخوانند و ... کرد ...

دعای اسب سیند موربرن امملت لوك كابات دب مات دنين بات

کریها دین نبیدات همنه تهنتهتن دکهنین ملسوی جون کل

ماندهس کهنانی جاه بیند دهتم نانی حری ... حری ...

دیونا

کوت ... اکبان انبرا دبنی کی اکبان جاه بیند دهتم نانی هنه

بنده کرتا بستها دکفته است اگر کسی عوذ کما دیو بین را کاید دامن ...

با ... و اگر سه ... را کمی کند و باید دست خود را ... و آهن

... ۲۲۲

۱۲۳

باب جهت محبت محبوب و برآمدن حاجات که از هر کس منظور داشته باشد در آفتاب

این آیه شریفه را چهارصد و شصت مرتبه در خلوت بخواند و مطلب را در نظر آورد

که مکرر بتجربه رسیده است هذه الآیه انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن

الرحیم الا تعلوا علی و اتونی مسلمین و این لوح را نیز در جایی

که در نظر نباشد باید آویخت که دایم نسیم از او حرکت دهد و در میان خواندن

بخور کند بخش لبان و کندر که بسیار مجرب است ۱ شب

مولانا محمد بیان فرموده اند

که بیت بار اسم یا بدوح

بگوید پس بگوید امزج الروح

بالروح بحق الرؤف

الودود که در وقت هذا

۱۸ ۸	۴۶۷ ۷	۱۹۵۰ ۱۴	ب ۱
۱۰۹۴۸ ۱۳	د ۲	۱۶ ۷	۶۴۹ ۱۲
و ۳	۱۹۵۳ ۱۶	۴۶۳ ۹	۱۴ ۶
۴۶۵ ۲	۱۲ ۵	ح ۴	۱۹[illegible] ۱۵

محبت حاصل شود باب قاعده اینکه بسم الله الرحمن الرحیم فرد حیی

قیوم حکم عدل قدوس علی ظهی مجموع عدد مجموع عدد نوزا

۱۱۰ ۱۹ ۱۰ ۱۲

اضافه عدد آیه مناسب مدعا نموده بطریق عدد رزّاق مربع نمایند و منظور در ظاهر

دائره مبارکه ثبت نمایند مثل اینکه او من کان میتا فاحییناه

۱۶۵ ۴۵۱ ۷۱ ۹۲

جمعا ۲۴

۳۰ با قی اصل

۱۲۴۸ ۲۲۹۶ ۲۲۹۹

۷۸۴

و ضابط برکهای مربع آن است که هر اسم و هر آیه که

۶۲۴

۱۶۰۵

اول بحساب ابجد جمل کبیر حساب نمایند و مجموع آن عدد را وفق ثلاثه دهند یعنی
از آن سی کم کنند و از مجموع سی طرح کنند و باقی را بچهار قسمت کنند و در خانه اول
از او درج کنند دهند در هر خانه یکی اضافه نمایند تا خانه شانزدهم و اگر کسر
باقی ماند اگر یکی باشد در خانه سیزدهم یکی زیاد کنند و اگر دو باقی ماند در خانه نهم
یکی اضافه نمایند و اگر سه باشد در خانه پنجم یکی اضافه نمایند و اگر خواهند
که در سیر ۳۳ زیاد کنند اول در وقت طرح نمودن شصت عدد طرح
نمایند و باقی را بطریق سابق ربع کرده بطریق طبیعی با خانه عدد معقود
[illegible] را تمام نمایند مثال اول ۴۵ سی طرح باقی پانزده ربع سه کسر
سه در خانه پنجم یکی زیاد کنند و از ۴۴ کسره میماند در خانه نه یکی اضافه
و از ۴۳ کسر یکی میماند و در خانه سیزدهم یکی اضافه کنند مثال دوم که
که شصت طرح کنند هفتاد و پنج ۷۵ شصت طرح باقی میماند پانزده ربع
سه کسره سه باقی بهمان ضابطه است و در مثلثات طرح دوازده و باقی را
ثلث کرده در خانه اول درج کنند و بطریق طبیعی سیر دهند کسر هرگاه یک باشد
یکی را در اول دور رسیدیم که خانه هفتم است یکی اضافه نمایند و اگر دو باشد در
در خانه چهارم و جمله ابیات را بر طرز طبیعی پر میکنند و جمله ابیات را
بعکس درج میکنند یعنی بعکس طبیعی رشار میکنند و تکثیر موافق مطلوب
از جمله لوازمات بدیهیه است اعداد جمله برای هر مطلب و مقصود
موافق ۳۳ [illegible] تکثیر باید

۱۲ دی

خا خاکی دی

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

۱ آبی ب ی

۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
۹	۶	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	۵

ب ۱ بادی دی

۱۴	۸	۱	۱۱
۲	۱۳	۱۲	۷
۱۶	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۰	۴

اث ۲ آتشی س ی

	۸	۱۱	۱۴	۱
	۱۳	۲	۷	۱۲
۱۶	۳		۹	۶
	۱۰	۵	۴	۱۵

جهت گریختن موش از خانه القوی الواحد را با یکدیگر
امتزاج دهد با بسط بق د ق ا ح ی د و در کاغذ سربمهر
کند و در خانه پنهان کند موش از آن خانه بگریزد اگر کسی الوادث را
در وقت غروب آفتاب بحروف مقطعه بر پوست شیر نویسد
و با خود نگاه دارد سباع از او بگریزد اگر شیر زنی کم شود الم نشرح را
بر ظرف چینی نویسد و با آب باران که بر آن دعا خوانده باشند
بشوید و بآن زن دهد شیر او زیاده شود ختم سوره یس در یک هفته
هر روز سه مرتبه بخواند که مجموع [illegible] مرتبه شود و بعد از اتمام
سوره یا من تحل به عقد المکاره را تا آخر بخواند [illegible]

از جهت تسخیر قلوب و احضار ناس از جملهٔ مجربات است طریقه‌اش آنست
که اول نیت تسخیر یا احضار کند و سوره الرحمن را بدین ترتیب که از شارع
نقل شده بخواند و طریقه ترتیبش آن است که اول سوره الرحمن را تا آخر بخواند
و بعد از آن از اول سوره گرفته هشت آیه شمرده واگذاشته و از آیه نهم گرفته
تا آخر بخواند بعد از آن دهم را شمرده از یازدهم و هم چنین تا آخر سوره بدین
ترتیب باید خواند اما از هر آیه که میخواند باید که سوره را تمام کرد و بعد از آن
این دعا را تا ناصیته الی سه مرتبه باید بخواند بعد از آن باید گفت
یا رب بحرمت این سورهٔ مبارکه الرحمن که فلان را مسخر من گردان
و بعد از اتمام عمل این آیات را بخواند که بسم الله الرحمن الرحیم و کفی بالله
تا آخر و دعائی که بعد از اتمام سورهٔ الرحمن باید خواند این است بروایتی
این دعا را سه مرتبه باید خواند اَللّٰهُمَّ یا مُقَلِّبَ القُلوبِ قَلِّبْ
قلب فلانه بنت فلان اگر زن باشد و اگر مرد باشد فلان ابن فلان و قلب
عَیْنَیْهِ وَسَمْعَهُ وَقَلْبَهُ وَناصِیَتَهُ اِلَیَّ این است بِسْمِ اللهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وَکَفیٰ بِاللهِ وَلِیّاً وَکَفیٰ بِاللهِ نَصِیراً وَکَفیٰ بِاللهِ
حَسِیباً وَکَفیٰ بِاللهِ هادِیاً وَنَصِیراً وَکَفیٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبادِهِ
خَبِیراً بَصِیراً وَکَفَی اللهُ المُؤْمِنِینَ القِتالَ وَکانَ اللهُ قَوِیّاً عَزِیزاً
یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ مرتبت الموت چون خواهی که بدانی بیمار به میشود یا نه نام او
و نام مادرش را بحساب جمل کبیر بشمار و روزها را که خوابیده است در اعداد افزا
و اگر نه تا چند روز است که خفته است جمله روز جمع کن و بعد از آن سی سی طرح کن
هرچه بماند بنگر که در کدام بروج است اگر در بروج زنده است باعث شفا یا بد داند

٩٦

در روح ممات باشد بمیرد

حصة للمات

۱۵	۱۶	۱
۳	۸	۱۴
۲۲	۲۹	۲۲
۱۲	۱۹	۲۶
۲۳	۱۳	۲

حصة الحیواة

۲۰	۱۰	۲۱
۳۰	۲	۱۸
۲۵	۲۸	۱۴
۵	۱۱	۰۹
۱۲	۲۴	۶

منقول است از حضرت امیر المؤمنین ع که این بیت سی حرف است و هر که سی روز
از ماه آن روز که گذشته باشد [illegible] و با نقطه شده ساعت در آن روز نیک است و اگر
یک نقطه داشته باشد بیمار است و اگر دو نقطه داشته ساعت بد است و این جمله
مجربات دانند عَجِبتُ مِن عَجَمی کَیفَ فَعَل نَعُودُ لَیالِی لِطَلَلِ الأَمَل
این شکل را [illegible] مجرب دانسته اند و طریقه اش
آن است که بنویسد در زیر نگین [illegible] نقش کند شکل این است

دیگر مجرب است که عدد [illegible] اصابع یعنی با این اسماء الله یا
یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم [illegible] اصابع بیرا
بدین اسماء یا سمیع یا بصیر یا حلیم یا ودود
یا مستغاث [illegible] کهیعص [illegible]
[illegible] حمعسق [illegible]
باب مسموع شده که مجرب است یا حی حین لا حی فی دیمومیة
ملکه و بقائه [illegible] لا ینکلون [illegible]

[illegible] زیر زبان نگاه دارد [illegible] شود

و نقل شده که هر که از سوره جاثیه آیه و اذا تتلی علیهم آیاتنا بینات ما
ماکان حجتهم الا ان قالوا ائتوا بآبائنا ان کنتم صادقین
جهت بغض بنا و رشیر و سرکه و هم با سیر چهل یک مرتبه سوره بنت با رانی و الی
و این مثلث در شیشه کن و در خانه دشمن انداز چون آن شیشه بشکند هر که در آن
خانه باشد از هم جدا شوند و اگر این را بجهت عداوت کسی نکویی اند تا زنده
باشد با هم سخن نگویند مثلث این است

اگر کسی از خانه یا دکان چیزی ببرد این
اسم را بر یک دانه یا قلم بنویسید
و بر بالای آن نشانه یا در میان آن نشانه
بیاویزد و یا پنهان کند دزد
با مال راه نیابد این است
اسم مذکور بشا هلش عقد اللسان بیاوره دانه گندم و هر دانه
سه مرتبه سوره الم نشرح را بخوان هر مرغ را ده کور درو بنت جای کند
باسم فلان بن فلان یا فلان وقت که مجرب است از حضرت علی ابن
ابیطالب علیه السلام در کتاب خافیه آورده اند که هر کس این آیه را که هفت کلمه است
و اول آن واو است و آخر آن میم از سوره انعام دشمن کلمة
ربک صدقا و عدلا لا مبدل لکلماته و هو السمیع العلیم
بحروف مقطعه بنویسد خواص او بسیار است اول آنکه نوشته در پیچید
چنانکه نوشته بر دل باشد بر سفیده اندر دل در موم گیرد و در دهان گیرد
با مطلوب سخن گوید مراد حاصل شود اگر مراد در فرزند او در اکتبه شد
و در عقد است نیز اثر عظیم دارد اگر شراب عمل کند دار کسی راست

اگر این آیه را بر جوهری بنویسد در وقتی که بچه در زانوی راست بنهد اسباب
حصول رزق باسانی مهیا شود قل من یرزقکم من السماء والارض اِلا
تتقون از سوره یونس چون کسی را دشمنی باشد و داند که بحسب شرع قتل او واجب (در دفع دشمن)
این را در برابر او هفت مرتبه بخواند در روزی که البته او را تباه بکشد و آن این آیت
بسم الله الرحمن الرحیم الم تر کیف فعل ربک باصحاب الفیل تا آخر
و بعد بگوید بسم الله الرحمن الرحیم ویل للمطففین الذین اذا اکتالوا
علی الناس یستوفون و اذا کالوهم او وزنوهم یخسرون
اللهم طمه بلاء البلاء و طمّا بحق کهیعص و حمعسق صم بکم عمی
فهم لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا یعقلون صم بکم عمی فهم لا یرجعون
اگر خواهیکه کسی را از خانهٔ خویش آواره کنی که مردم از دور او را نشناسند بگیرد
عدد سورهٔ الم تر کیف را عدد اسم آن شخص را جمع کرده طرح ثانیه و ثلث
او را در مثلث نهاده در ساعت زحل در مقام نکسی در رهگذر او دفن نماید
آواره و پریشان شود سورهٔ الم تر کیف این است ۵۲ ساعت قوله تعالی
ان طلقکن ان یبدله تا آخر از سورهٔ تحریم در کاسه نبود سیاه
نظام بنویسد بنام ایشان و نام مادر ایشان در سرای زیر دیگ دوران ساکن
بشنود در میان ایشان مفارقت شود قوله تعالی هل اتی علی الانسان
حین من الدهر لم یکن شیئا مذکورا انا خلقنا الانسان
من نطفة امشاج نبتلیه فجعلناه سمیعا بصیرا را بنگ

و زعفران و گلاب بشوید و بکسی دهد که او را با زنش الفت نباشد تا بخورد و بگوید
کذلک یبتلی فلان بمحبة فلان الفت و محبت میانه ایشان بدرجه
کمال بود عقد النوم فضربنا علی آذانهم را بر توت هفت مرتبه بر نانکه بر
کهنه بخواند و بر بالین بیمار او بریزد عقد النوم اگر خواهی که یک شب کسی را در صاحب
خانه بیدار نشود بستان از هفت گور کهنه خاک در اینجا بر آن بخوان
در حقه کمال بیفشان بدان خانه تا بیدار نشود کیف تکفرون بالله
وکنتم امواتاً فاحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم الیه ترجعون
انکم میت و انهم میتون ثم الیه ترجعون کل نفس ذائقة
الموت فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین عدداً ام حسبت
ان اصحاب الکهف والرقیم کانوا من آیاتنا عجباً اندا
کسی را از نظر خلایق خوار و ذلیل کردن او را بمرتبه که هر که او را ببیند
نفرت کند ز اکبر حد اسم آنکس را با عدد آیه وجعلنا من بین
ایدیهم سداً و من خلفهم سداً بعد از آن طرح کن در مثلث
۱۳ ۴۴
بنگار و در زیر دفن کفن مرده بپیچد و پاره استخوان مرده اضافه تا در
آن که او در آن کن آنکس از نظرها بیفتد و در کار خود حیران و سرگردان باشد
جهت آوارگی کسی از جای خود بگردانند بر اسفند هفت مرتبه بخواند
تا نطلیل بخوانند و بگوید الهی ... اصحاب ... فرشته ...
گرد بنشتر فلان ابن فلان را از ... اسفند را در آتش
اندازد که از آن موضع بگریزد جهت آوارگی شخص اسم آن

آن شخص را با عدد آیه اذا زلزلت الارض تا اثقالها بر سر هر یک ده
و بعد از طرح در مثلث بنگارند و در رهگذر آن شخص دفن کنند در آنکه زمانی اداره شخص
چنانکه عود نمایند گرد کرد آن مثلث را در آورد عدد اذا زلزلت تا اثقالها
این است ۵۱۴۹ لکن عامل لازم است که بعدد آیه مذکور روزه دو
مبادا متهوری شده باشد و معمول و دعا باشد هر که خواهد را عدد اظفر باید در بیست
و پنج هزار مرتبه بگوید رب انی مغلوب فانتصر از جهت دفع
درد دندان بر نان بنویسند و بدست صاحب درد دهد که صاحب درد آن
نان را بیک دفعه بخورد ساکت شود کاف کفی یکفی جهت دفع نزول کمی
سوره مبارکه یس را در روز جمعه از ابتدا بخوانند تا مبین اول اسم بار زهر
گیرد و بخوانند تا مبین دوم چنین هر دفعه که بمبین رسید باز از سر گیرد
تا دفعه هفتم که با تمام رسید بسیار مجرب است جهت رفع سیر روز
چهارشنبه آخر ماه با آنکه شیش سیر زکو نقطه آورده بر بالای سیر زحف
نه انشه فانگه دوازده مرتبه سوره اخلاص بخواند پس سیر زرا در
دیوار قبله به میخ بکوبد بنام مخف و نام مادر مخف بعد از آنکه سوره اخلاص
را آن میخ خوانده باشد چون آن سیر خشک شود آن به شود ما ب ایشان
آنکه نیست بود [illegible] باید [illegible] [illegible] آخر [illegible] بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک الحمد لله لا اله الا انت
الحنان المنان بدیع السموات والارض یا ذا الجلال

والاکرام الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم یا صبی با

باذن الله تعالی اسکن الوقف حضر الموت فقال لهم الله

موتوا ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

باب اگر خواهی که زن زنا بسیار بیش نخورد او را باید این مهر را بر کف دست مخوذ بنویسی بر پیش اینان نبشته عی ب وغرائب عجیبه که مجرب است ۱۱۱۱ ۱۱۱۱

باب اگر خواهی دیگر بنویسی بر کاغذ و در دهن گیرد و زیر زبان کند و بگذارد با دشمن بگوید از عشق او بیقرار گردد در ساعت پیش تو حاضر گردد و الله اعلم تمت

صح صح صح

ختم زیارت عاشورا در روز شنبه ابتدا هر روز مکرر نمایند الی یوم جمعه که مجموع هفت یوم باشد و باید که هر روز پیش از شروع غسل کند و دو رکعت نماز گذارد و زیارت مذکوره را بکند طریق دو چهارده روز است به دو طریق از روز جمعه ابتدا باید کرد تا روز پنجشنبه تمام شود اول زیارت ششم می خوانند و نماز زیارت مذکوره را بگذارد و بعد از آن زیارت عاشوره را بخواند انشاء الله حاجت برآورده گردد دعای بجهت

چوب بید را تخته نماید [illegible] ما را بنویسید در نشه آب پنهان کنند

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و علی ملة رسول الله

هالک ملک اهلبون یا ارهم مفتح ابث مکل مصمح

اما ماجه ماجه بالله اليوم نختم على افواههم وتكلمنا ايديهم وتشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون ببندم همه بادهای لنسوس و بادهای همه جنبان در بدن ببندم باد بلغم و باد نفوه و باد هفتاد رنگ و باد سرخ و باد سفید و باد سیاه ببندم و دیگر باد
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
سبحان الله كما ينبغي لله والحمد لله كما ينبغي لله ولا اله الا الله كما ينبغي لله والله اكبر كما ينبغي ولا حول ولا قوة الا بالله وصلى الله على محمد النبي وعلى اهل بيته وجميع المرسلين والنبيين ترضى الله نوع دیگر از کسی را خبر کم
شود یا دزدیده باشند [illegible]
هيه شراهيه يتجرعه ولا يكاد يسيغه ياتيه الموت من كل مكان وما هو بميت الذين قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا وقالوا

حسبنا الله و نعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله و فضل
لم یمسسهم سوء باب هر که را الم و تب را بنویسد هر که تب داشته بود
یا تب شب باشد گوره را در کوزه بنویسد و با آب باران بشوید و اندک شکر داخل کند
سه روز ناشتا بنوشد صحت یابد نوع دیگر اگر خواهی که دزد را پیدا کنی بدان کسانی
که گمان داری این طلسم را بر نان فطیر با نمک بنویس پاره پاره کن بده بدان کسی که
که گمان دارد بدهد بخورد اگر دزد است در حلقش بماند از گلو فرو نرود این است
عطوم اعطوم فعولك اما الو لواکست کست
نا یلغ فالا فا یلغ بر نان فطیر با نمک بنویسد و به دزد بدهد بخورد
گلویش را بگیرد این است فوسمش لشمین بتطانی خشون
و اذا تکلم نهاد و علیت المتاع ... باب افزودن محصول هر یک را
سه چوب ... و ... اگر ... بگیرانند ... از آن همه را در ...
دفن کند اول این است و یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها
ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا و لا
امتا اذهب باذن الله ایها الثلول ... این است
حا فوق ما فوق نا فوق فا ق یا فوق و ا فوق لا فوق
بر ... بنویسد یک یک را آتش اندازد ...
چون کسی را جن و شیاطین عارض شده باشد قاعده اینکه این نسخه ...
... بنویسد ... مصروع ... حق ...
خیال ... مصروع گردد ... باید مصروع تعلیم ...
بگوید که ... قسم یاد نماید که از ...

باع

و هم بعد از این مرتکب نشوند هر یک از این قسم ها که تا بعد از اول دست بردار شده هرگاه
که قسم یاد نکرده اند و قابل نشده اند هفت اسم را که در جای دیگر قلمی شده است
بر کاغذ کبود رنگ که تازه باشد نوشته سه دفعه یک یک بر آتش اندازد
جن و شیاطین در ساعت بفرمان حق جل و علا هلاک شوند والله اعلم
نسخه دیگر بعد از آنکه به نحو بیشتر کرده جنیان حاضر شوند مصروع ببندد قسم دهند
باید چشمهای مجموع و دو دستها را گشاده نمایند کوزگی نکنند بسم الله
الرحمن الرحیم طیتوما الرحمن بطلسوما الرحیم
حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر
و صلی الله علی محمد و آله اجمعین مصروع باید
اسم جنیان را صدا کنند اسمها این است سه دفعه تا حاضر شوند جنیان جنهای است
یا ابلیس الجن و یا رؤس الجن تعلوا تعلوا تعلوا یعنی
می آیید آنگاه آمده قسم یاد کردند فیها و هر گاه نیامدند قسم کو رد نند
آن هفت اسم را بر پارچه کبود کرباس تازه نوشته یک یک نوشته را بر آتش
بسوزاند ان شاء الله تعالی بقدرت حق تعالی جنیان هلاک شوند مصروع از شر
ایشان نجات یابد بلا شک این هفت اسم که بآتش اندازد
این است باید چشمهای او و دستهای او را باز کنند حا فوق
ما فوقه نا فوق فا فوق یا فوق وا فوق
لا فوق و بعد از کردن اینها سوره قل اوحی را که سوره جن است

حرف بحرف نوشته هیکل سازد در گردن مصروع ببا و بزد البته
نجات یابد مجرب است باب دعای جنیان و بریان نقل است
از شیخ المشایخ المحققین امیر سید علی الهمدانی که هر کسی را از
جنیان درد باشد این اسمها را با خود نگاه دارد و اگر بدین دفع
نشود به سه پاره کاغذ بنویسد و یک یک در آتش اندازد و از جنیان
نجات یابد قطو قطعه ابلیس لا قیس کهفیس وهیس
عمسا فیس سافیس مملس رمهیس رمامیس
جبرک قطعه حس کر عشاریت قلیناق بهاکال
المهی فرد وش مالخ ملخی هلوخیم باب کودکی که شیر
نخورد این دعا را بنویسد و بر گردن کودک بندد بسم الله الرحمن
الرحیم وحرمنا علیه المراضع من قبل هل ادلکم علی بیت
یکفلونه لکم وهم له ناصحون باب عقد از قبال ببا در ریسمان
ناسفته هفت گره بر آن بزند و هر گره که زند باسم آنکس و باسم مادر آنکس
در زبان راند هفت بار قل اعوذ برب الفلق بر آن خواند هر گره که زند یکبار
بخواند و بعد از آن با آفتاب نهد تا خشک شود بفرمان خدا بسته گردد باب
از جهت گم و خرج این اسماء را که شش حال سه بار بچهار رکن با آواز بلند آب
دست نموده بخواند باشاء الله تعالی بحرمت این اسماء از غیب خرج رسد
این است دعا را اول از طرف شمال دوم از طرف مشرق سیم از طرف
جنوب چهارم از طرف مغرب یا عبید الرشید یا عبید الحکیم

چند مسئلهٔ دیوانه

پیش سگ یا مرغ دیوانه اندازند هرگاه نخورد علامت زخم سگ دیوانه است و تدبیر علاج در علاج
آن زخم آنکه اول موضع زخم را حجامت کنند با تیغ بشکافند و خون بسیار بیرون آورند تا بیرون آید
و تنقیه با مسهلات نمایند که زخم را وسیع کنند تا به شفا نزدیک شود و تریاق [illegible] و جو قدری پخته در روغن
و سایر [illegible] و اگر داغ کنند و در دفع [illegible] آن با ناخن نمایند بعد از سه روز [illegible] از زخم بیرون
او بر آید [illegible] صورت زخم آن جا [illegible] تا [illegible]
نظر و با برابر آب و خاک [illegible] با سرکه و تره تیزک با روغن و تخم [illegible]
[illegible] و در ترطیب و تقویت [illegible] کوشند و از جماع [illegible]

[illegible]

سر و جناب [illegible] سگ دیوانه گزیده و منع [illegible] او از آب
و در کتاب قاموس المحیط مذکور است که هر که دندان کفتار [illegible] خود دارد سگ بر روی او [illegible]
نکته و به تجربه رسیده که هرگاه سگی بر روی کسی حمله آورد آن کس سر انگشتان ابهام دست راست و چپ
بر یکدیگر [illegible] محفوظ [illegible]
[illegible] متوجه او نمی‌شود [illegible] از این کس مشاهده [illegible]
[illegible] اما دفع مضرت [illegible] از ابن عباس منقول است که هر که آیه لقد جاءکم
رسول من انفسکم تا آخر سوره توبه بخواند [illegible] محفوظ [illegible]
دفع [illegible] از حضرت رسالت پناه منقول است که فرمود که هر که بخورد شیر [illegible] با عسل و آب گرم
و هفت بار فاتحة الکتاب بر آن خوانده باشد شفا یابد نقل است از علی بن ابی طالب که فرمود
که بخورد آب گرم [illegible] و بگوید یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا رب الارباب یا اله الالهة
یا مالک الملوک یا سید السادات اشفنی بشفائک من کل داء و سقم فانی
عبدک و ابن عبدک انقلب فی قبضتک دفع [illegible] بنویسد [illegible]
[illegible] بخورد [illegible] بنویسد که شفا یابد [illegible]
من بعده انه کان حلیما غفورا ودودا کریما و ننزل من القرآن ما هو شفاء
و رحمة للمؤمنین [illegible]

در بازوی چپ ببندد بسش و بعد از سه روز گشادن و در آب روان اندازد بحق و جادو و دیگر ...

آید این عمل کردلی و اگر نیک نشود دوبار یا سه دیگر باز این عمل نمودن که بسیار آن درد زایل

شود و مجرب است الم المص الر الر المر الر الر حم حم حمعسق

حم حم حم حم کهیعص طه طسم طس طسم یس والقرآن الحکیم

ص ق ن ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا

ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا و وضع الکتاب فتری

حب البول ۱۱۱

المجرمین مشفقین مما فیه

مجهر و بحر بول کسی اگر بول کسی

بند شده باشد این دعا بنویسند و بشوید

و آب بخورد شفا یابد دعا اینست

بسم الله الرحمن الرحیم

طه ما انزلنا علیک القرآن

ر	مح مر	ماویله ویل	ح ہا ح لح
لح	را آ	ماویلاه ویل	ح ہا ح لح
للر	لح	مر مر ورق	فساماوطالا
لح	الحا	مر رو	ساماوطالا

لتشقی الا تذکرة لمن یخشی تنزیلا ممن خلق الارض والسموات العلی

الرحمن علی العرش استوی له ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما وما

تحت الثری دعا درد پهلو منقول است از حضرت امام جعفر صادق ع که فرموده که گوشت فارغ

شود از نماز بنهد دست خود بر موضع درد خود و این آیه بخواند افحسبتم انما خلقناکم

عبثا وانکم الینا لا ترجعون تا آخر سوره و دعا درد سینه این آیه بخواند و بر سینه خود

دارد دست اشرح لی صدری ویسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی

اسکن ایها الوجع بامر الله تعالی ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم که باز عید

و اگر کسیر الکسر و یا کتر در بدن الم رسیده او دست کردن بدعا مذکور منسوب است از حضرت

امام محمد نقل است که فرموده بنه دست خود را بر موضع درد و بگو آیه وما کان لنفس

ان تموت الا باذن الله تا آخر بعد از آن هفت بار بگو ... دعا درد

بار البعض

باب البغض پا رخاک پای اندوس و کل سازد و کل اشکال تشبیه مار سخنه در دیوار

نویسی بر قلم و مرکب کهیعص و در میان مار المص و بر ذکرش حمعسق

و انار را در آب اندازد و بگوید فرق بین ۲ و ۲ [illegible] جدا شوند

باب التفریق اسما را نوشته باب سرکه بنویسد [illegible]

الذین یفسدون فی الارض ولا یصلحون قالوا انما انت من المسحرین

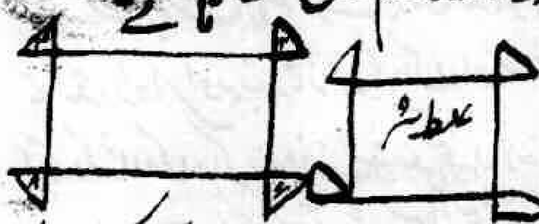
عقد الرجل عن اهله [illegible]

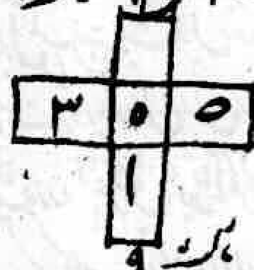
شود عقد کرده فما استطاعوا ان یظهروه وما استطاعوا له نقبا

[illegible]

دیگر [illegible]

زیر پای [illegible] اول





بجهة عقد [illegible]

[illegible]

۴		۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

هذا یوم لا ینطقون ولا یؤذن لهم فیعتذرون

[illegible]

[illegible]

[illegible] والذین آمنوا

اشد حبا لله [illegible]

[illegible]

بجهة تحقيق آنك هرکه نشستن را بپا برطلسم زند و نشستن واضح که سوار و آیه بنویسد
و در شب ستاره نهد تا سحر پس در صبح در کلاه خود نهد و بر رود بنزد کسی که عزیمت
انجا دارد کرده باشد باذن الله تعالی بشش تیش شین تیش تیش و صم بکم عمی فهم لا
عمل هر ای دا کله مکتب را بنویسد بنام هرکه خواهد تیش و یوحعول هذا یوم لا ینطقون
و هرکه در دست نه خانه آنکس دفن کند از یکدیگر جدا شوند ولا یؤذن لهم فیعتذرون

فتح الحجال

باب از برای باز کردن بسته عمل حق شود هرکه ولایس کسی بسته باشد و وضو باز دوزن
رب بنویسد کهیعص و بدال حب بنویسد و بالحق انزلناه و بالحق نزل
و با حجال خوج حج شقکک ده کرد در این رب باب در شستن ایست شاید پوست درست کرده خشک ساخته
نرم آب بیند و قدری از آن مالد بر کار آب بیند و بجوید و بعد پوست کند متعدد کار این الست کاید
و اگر خواهد بسکو شود قدری صندل در عنبر و یاسمن او بربد کمال خود از بکر نقش بپاید و بشکند بند
بگشتنه بکشد و ترب او و درست بیرون کند هرکس که بکاری ابول کرده باشد خاک آن که کرده در
بر بکند در راه های او بنهند تا زمانی که خاک او با شد دل آنکس بسته باشد چون خاک بیرون
آورد گشاده گردد و اگر زهره و دنب بسوزند آمیخته در وقت مجامعت بذکر مالد آن زن را از مرد دیگر
نباشد و هم چنین سرکبه گربه سیاه با عسل آمیخته همین خاصیت دارد کتغ و تق بجوید مالکی کنند آن
کرده باشد و مرد و بنیاد الطریق کاه عمل بر پایین دست کلین حلال کنند و از زارد کیه
که نشسته در زیر آتش بسوزند میان هر دو خصوصیت نشیند دیگر از خلاصه اسرار باب است که علم
حقیقت میگویند امانت است هرگاه کسی تا بکشش برند از آن و بپرسند که از مطبوعات و مخزونات هم خبر
میخواهی هرچه میخواهد از قبول کند و بیا بدان ابتدا و بعد از آن که او را سحر کرده باشد بزنند نیز از آن
او تر کرده و با روغن چوب کرده در خانه خلوت روشن کرده آنکس حاضر شود
و بگوید فلان چیز را که دیده کجا برده بگوید فلان کس را با خود برد و یا فلان کار را بکن هرچه میخواهی میدهم
روح او متوجه افکار شود از زرای دزد دل بسته بر سنگ و در آب بگوید که آن را باز کنند و جز ذکر
پس مشغول شود که تا شک بر باد شود دعا نیست اللهم انی اعوذ بک من شر ... و عظمه

طلسم دیگر

طهارت ... و دیگر کند جلالک من بلیته و آمنه دعا هذه و من طوارق الجن والانس

الا طارقا یطرق بخیر منها یا الله سه مرتبه یا رحمن سه مرتبه یا رحیم سه مرتبه بد بالا حم الرحمن

باب قوه باه و سخت شدن آلت و ... جهت تقویت باه از ... از مجربات ... جهت ... فتنه

که در زیر زمین است و ... دیگر ... باشد و در خانه بند ... از ...

بس و ... روغن ... و ... بدو دهد و علفش ... و ... در ... و ... تا آن

روغن از علفش ... در ... ظرف ... و آن روغن در زیر ... کند و آن ...

کند و در چشم کشد دفع این ... دیگر ... زبان ... سیاه ...

خشک کند ... با عسل ... در چشم کشد دفع ... دیگر ...

زهره ... سیاه و خون ... سفید خشک کرده و در چشم کند عجایبات ... آید

فصل در حرف زدن آنکسیکه در خواب است هر گاه بال هدهد را بر روی سینه خفته نهند هر چه

از او به پرسند او در خواب جواب گوید و دیگر ... بر کف دست خود بالد و بر سینه خفته نهند هر چه

از او به پرسند جواب دهد ... دیگر ... یا مرغ ... بر ... گوش ...

این کلمات را بنویسد ... و بر کعل آن بندد و قدری ... ... بریزد چشم

بر بندد ... که هر جا که دفینه باشد یا چیزی ... باب عقد الذکر عن فرج المرأة ...

... و در ... بدم سوراخ ... بسم الله الرحمن الرحیم اللهم رب

جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و ... و ... و ... لا ... حل

طرف هذه ... نفسها ... الله لا ... ذکر ... بن ...

بنویسد ... عزرائیل

...

بخواند این ...

... خون آمدن ... این اسما ...

...

هالع هالع هالع

سبحان الذی ... اصحاب ... عبد الله ...

باب چهارم اگر کسی حاجت شرعی داشته باشد خواهی که بحاصل شود بنویسد به آب زعفران و

در بند کند و در بر سینه تا هر مطلبی که خواهد آید و دیگر تجربه رسیده است و هی هدنه

صراط علی حق نمسکه و بحروف مقطع بنویسد خوب است هر گاه که گرد

جمع بنویسد هم بهتر است باب دیگر از برای حصول مطالب و مطالب مقاصد و جهت تسخیر کونه

البته مقصود که حصول موصول گردد این است اللهم انی اسئلك بحق روح علی ابن ابی

طالب الذی ما اشرك بالله طرفة عین ابداً ان تنجینی من هذا الغم

باب دیگر اگر بدهی اگر کسی سوره یاسین به آب زعفران بنویسد و در گلوی خود بیاویزد

هر صباح بست در روی بشوید و به آن بشوید در حاجت کشاده گردد بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انا فتحنا لك فتحا مبینا فدعا ربه انی مغلوب فانتصر ففتحنا

ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر

قد قدر اذا جاء نصر الله الم نشرح الم قالت انی اعوذ بالرحمن

منك ان كنت تقیا قال انما انا رسول ربك لاهب لك غلاما

زكیا كتادم كارید فلان ابن فلانه بحق لا اله الا الله محمد رسول الله

علیا ولی الله و بحق م ح م د ع ل ی ف ا ط م ه ح س ن ح س ی ن

و بحق یس و كهیعص و حمعسق و بحق طه و بحق قل هو الله و بحق الم ذلك

الكتاب لا ریب فیه هدی للمتقین لقد انت ل محرب بحب ال انعم ل لرم ل ابسم

٥ اا اا د اا ا ه د ا كا اا

هر تربیه و مرض فی الحقرة فانه تعقد لها

اا اا ٥ د ٥ ا اا الیضا جه او اروی یا ثابت یا قائم

یا دائم را ربع آمده چهار پهلو هر یک را بر یک پهلو باید نوشت و در طرف دیگر

باقی دوم

با حرز ناجی و هم باید نوشت بر زمین بید کوبید اگر کسی دیگر حرکت نکند باب آنچه محجوب [illegible] نوشت اگر [illegible]

الهندی ارزد و [illegible] ترکیبات مطلوب نوشت غسل کند که تیره نه روز از ماه گذشته باشد [illegible] باشد به [illegible]

طلسم [illegible] در [illegible] اسم مطلوب و مادرش [illegible] روی [illegible] بندد تا چهار

روز به [illegible] مطلوب [illegible] که از رحمت [illegible] مشغول گردد [illegible] مطلوب نماید [illegible] باشد

که یک طرفه [illegible] محمد علی مسطلمق باب دیگر اگر خواهی که [illegible]

گرداند [illegible] این آیه [illegible] زین للناس تا والانعام

[illegible] نعم المولی ونعم النصیر [illegible] لیضا

[illegible] ١٨ ١١١ ٨ فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم باب دیگر [illegible]

ده مرتبه [illegible] بگوید لا اله الا الله والله اکبر سبحان

والحمد لله استغفر الله لا حول ولا قوة الا بالله هو الاول والآخر والظاهر والباطن له الملک

وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر برای

هر مطلب صد و ده بار [illegible] یا امیر المؤمنین یا ذا المکرم

یا امام المتقین یا ذا النعم انا اتیناک فی حاجاتنا لا تخیبنا فقل

فیها نعم [illegible] ده مرتبه الله اکبر بگوید [illegible] این آیه [illegible]

[illegible] بسم الله [illegible] حی قیوم حکم عدل فاغشیناهم فهم لا یبصرون

[illegible] از هر طرف باشد [illegible]

هر روز [illegible] بگوید اللهم انی ضعیف فقونی اللهم انی

ذلیل فاعزنی اللهم انی فقیر فاغننی برحمتک یا ارحم الراحمین

٩	١١١		٩٥٣
٩	٢	١١١	٢٥١

سید ابن طاوس [illegible] روایت کرده است که [illegible] حضرت صادق [illegible]

[illegible] که هر چند [illegible]

[illegible] فارغ [illegible]

[illegible] اللهم انه لیس لی علم [illegible]

الطلبه تخطر على قلبي فاجول في طلبه البلدان وانا فيما انا
طالب كالحيران لا ادري أفي سهل ام هو في جبل ام في ارض ام
في سماء ام في بر ام في بحر وعلى يدي من ومن قبل من وقد علمت ان علمه
عندك واسبابه بيدك وانت الذي تقسمه بلطفك وتسببه برحمتك
اللهم فصل على محمد وآل محمد واجعل يا رب رزقك لي واسعا ومطلبه
سهلا ومأخذه قريبا ولا تعنني بطلب ما لم تقدر لي فيه رزقا فانك
غني عن عذابي وانا فقير الى رحمتك فصل على محمد وآله وجد على عبدك
بفضلك انك ذو فضل عظيم باب زهود جا جد الخمود سوگرفته قندی از نحیل بود
برا و [illegible] کنند و بر قضیب [illegible] شهرت که حاصل شود فاعل مفعول را تمام شد
هر کس هر بداد یا رزاق را در چهار گوشه خانه بگوید در هر گوشه صد بار [illegible]
نماید [illegible] روزی او را فراخ گرداند هر کس خواهد
که حاجت او به پیش [illegible] روا باشد این آیه [illegible] خود
[illegible] را بر [illegible] چون به پیش [illegible] رود [illegible] حاجت خود را بگوید
ساعت [illegible] ويل لكل افاك اثيم يسمع آيات الله
تتلى عليه ثم يصر مستكبرا كأن لم يسمعها فبشره بعذاب أليم
و اما اگر [illegible] بنویسد [illegible] و اگر [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] طيبات بنویسد و با خود دارد از ظالم و یا حاکم
[illegible] او بسته گردد [illegible] محفوظ [illegible]
[illegible] هر کس هفت [illegible] لا يحب الله الجهر بالسوء من
القول الا من ظلم وكان الله سميعا عليما باب اگر خواهی که خانه [illegible]
این آیه [illegible] آب [illegible] بنویسد [illegible]
فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسواها ولا يخاف عقباها باب اگر خواهی

[illegible]

که حقه باشد از خواب بیدار نشود از سر قبر باشد خاک به دارد و بیام آمیزد

و ببیند عار را با مرارة بجوشد بر آن خاک بدمد هر آنچه حقه باشد البته بیدار نشود این آیت

الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم جاثمين وهم الوف حذر الموت

فقال لهم الله موتوا ثم احياهم نصر من الله وفتح قريب

وبشر المؤمنين براءة من الله ورسوله الى الذين عاهدتم من

المشركين اگر کسی موی دنبال شتر در پیش نهد همه سباع بگریزند اگر کسی را آسمان

در زیر پای شخصی که حقه باشد بکند از نیم شب در خواب سخن گوید اگر کسی چغندر خشک

که دو سیب بید و به نیز دختر حکایت اگر عطسه کند بکارت او بجا برجا است اگر عطسه نکند

دختری و بکارت ندارد اگر کسی استسقا داشته باشد هر صباح یک قاشق زردک

صلابه کرده با شیر شتر بخورد برطرف شود اگر زهره زاغ بسیار را در روی مالد خلایق از او

بترسند جهت مغز از زیره کره زرنیخ ... بگوید بخورد دفع شود و هر که آب کرفس و

با دوشاب درهم کند او از که گرفته باشد گشاده گردد و صاف شود از برای

سر هر که کیا کوک را با شکر بیامیزد در حلق چکاند همان ساعت بپرد علاج زردی

دندان بستانند صدف سفید و تخم سفیدان از هر یک دو درم بکوبند در وی دندان

مالد سفید شود اگر کسی قضیب کبوتر و کبوتر نیز ببرد و روغن زیت ممزوج کرده که مالد با هر کس بهره

بمالد مویی بروید و بسیار دراز که مجرب است جهت زن را در او از سفید اگر کرفس و قند سفید

و تخم شبت و قند عود خام و کندر هم مصطکی و سنبل الطیب خشک کنند و از هر یک دو درم بخورد و معده را قوی کند

و بلغم را ببرد و بوی دهن را خوش کند و آب دهن را بسیار کند و باز دارد و قند

... دوا ... و باهها ... سود بخشد ... قوت ...

... طول ... اگر ... قدم ... مو ... الکوه ... بالا ...

اگر ... تازه ... پا ... بالا ...

بسعد و از آنجمله اگر [illegible] را با روغن زنبق بیالاید و در شب بجانب [illegible] نزد [illegible] اندازند

[illegible] موش [illegible] شود و از آنجمله اگر زاج سفید با نفط آمیخته فتیله و در آن نهاده بر فروزند روی [illegible]

جامه سیاه گردد و از آنجمله در [illegible] چنبر [illegible] کنند [illegible] و سنگ [illegible] بدان [illegible]

در قفس آید [illegible] خیال [illegible] که [illegible] اگر [illegible]

تا بمیرد آنگاه در [illegible] نهاده تا بسوزد خانه [illegible] دم [illegible] اگر [illegible]

[illegible] بهر جا [illegible] اگر [illegible] آید [illegible]

[illegible] خون مقطع [illegible] از آنجمله [illegible]

کند حرکت [illegible] آید و از آنجمله اگر قدری [illegible] آب [illegible] در کوزه [illegible]

آن کوزه [illegible] آب [illegible]

در وقت وضع حمل بچه زود بیرون آید هر آنچه هم مرده باشد اگر [illegible]

[illegible] متولد شده باشد و [illegible]

و در میان [illegible] قدری [illegible] در حل [illegible] باشد آن [illegible] گردد [illegible]

[illegible] و آب [illegible] از جمله عجایبات [illegible]

[illegible] شبنم [illegible]

[illegible] عدد گردد [illegible] در میان شبنم [illegible]

[illegible]

[illegible] زاغ سیاه [illegible]

[illegible] باب دیگر از حضرت امام جعفر صادق [illegible]

با کسی [illegible] داشته باشد این دعا را [illegible]

شروع [illegible] نوشتن [illegible] بسم الله

الرحمن الرحیم ان الله وعد الصابرین مخرجا مما یکرهون و الرزق من حیث

لا یحتسبون و جعلنا الله و ایاکم من الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

یا علی یا علی ف ح ح [illegible] اگر [illegible] این [illegible]

[illegible]

[illegible] حاجت [illegible]

انفجبت مجمجت جلجت انفلقت انفلعلت انزلت کذالک

عین العین در وقت شکستن تخم مرغ بگوید بسم الله والقلبین وعلیهم السلام

و اسم لعین ابیضا بنویسد پس بگوید الم تر [illegible] تا فلون تخم مرغ بر زمین

زند همان حکم دارد که اول [illegible] بهتر است جوال از کنیز باید قطع شود این سطر که

بر پشت او قطع کند طبطب مطب طب طب مطب ما ب

از برای دفع مورچه این کلمات بنوشته بر کاسه آب زند [illegible] حل نماید

بخورد [illegible] مورچه بیاید بنویسد [illegible] ک ک ک ک ع ع ع

ع ع د د د د م م م م ۱۱۱۱ ح ح ح ح [illegible]

لام جعفر صادق مشغول است هر که [illegible] را بنویسد بر کرکاه [illegible] بند دشمن [illegible]

با وزن یک [illegible] آب [illegible] در [illegible] در مرغ [illegible]

و یا در جای نمناک دفن کند بر طرف شود بسم الله الرحمن الرحیم یسئلونک عن

الساعة ایان مرسیها فیم انت من ذکریها الی ربک منتهیها و لا

حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible] زوج [illegible]

بنویسد دفن کند در زیر زمین اول ولقد بنیناها باید و انا لموسعون

دوم والارض فرشناها فنعم الماهدون [illegible] سیم ومن کل شیء

شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکرون [illegible] هر روز را

بوزند جمهرات جمهروت جمهادروت [illegible]

بنویسد هر روز [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

جهت چشم زخم

کله بدوزی هفت مرتبه بر خاک کو کرده بخوانند و در خلیات پای ... کل
من علیها فان چو چشم زخم رسیده بر تخم مرغ ... زنند در چمن ...
هفت مرتبه قل هو الله بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم
فحجبت ... بخوانند و در جیب گذارد و در ... خشک
انفجبت ... بر بندد ... را بر باد نماید ... زرد
فحجبت ... افرایت من اتخذ الهه
انفجبت هواه و اضله الله علی علم و ختم علی سمعه
فحجبت علی قلبه فان تولوا فقل حسبی الله لا
انفجبت اله الا هو علیه توکلت و هو
کذالک رب العرش العظیم له له له
المعس له له له له له ک ک ک ک ک
ک ک ک ک ک ... بسم ... اگر ...
راه ... بر ... لیتقول ... طیما مثل البغض ... بارنگ
... و این ایه را بر روی ... و در آب ... و بنام ... در حال
... فلا یستطیعون توصیة و لا الی اهلهم یرجعون
البغض فلان ابن فلان و عقد الرجال ... هفت مرتبه و ...
... مرتبه ... هفت مرتبه ... نمک ...
... که ... زن و مرد ... اگر ... هیچ مرد
روی ... جمع ... فرستد ... تحاید
... بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشافی بسم الله الکافی
بسم الله المعافی بسم الله ... الذی لا یضر مع اسمه شیء فی
الارض و لا فی السماء و هو السمیع العلیم ...
... که سوره فاتحه الکتاب ... چند روز ... مرتبه بخواند ... روز تا چند روز

خوانده نشود باز از سر گرد و بعد از همه هر دو یک روز بی وسیله خوانده باشد این دعا

یازده نوبت گوید یا مفتح فتح یا مفرج فرج یا مسبب سبب یا میسر یسر

یا مسهل سهل یا متمم تمم ... حاجت روی دهد که از غیب حاصل شود ما بیاب اگر خواهی

رقعه بکار بنویسد که آن مطلب گرفته شود این دعا سه مرتبه ازده نوبت بگو ... الله

لا شریک له الا هو ... ... بنویسد این آیات ...

و کلاب و در آب ... نام ... مطلوب و هزار نوبت گوید یا خالق ... السموات

والارض و کل معاذه الیه نوع دیگر از جهة مطلب ... روزی هزار مرتبه باید گویا

مجرب است یا هو یا الله | یکشنبه یا رحمن یا رحیم | دوشنبه یا واحد یا احد | سه شنبه یا صمد یا فرد

چهارشنبه یا حی یا قیوم | پنجشنبه یا حنان یا منان | جمعه یا ذا الجلال والاکرام

نوع دیگر اگر خواهی ... صورت او را ... آیه

و در روی صورت نقش کند و نام ... صورت بنویسد ...

باشد ... قمر در محاق باشد ... فاذا لقیتم

الذین کفروا فضرب الرقاب پس آن خنجر را بر آن صورت بزند ... موضع ...

آن نوشته بود بگوید یا ملائکة الله افعلوا کذا و کذا ...

بسیار ... واتل علیهم نبأ ابنی آدم بالحق اذ قربا

قربانا فتقبل من احدهما ولم یتقبل من الآخر قال لاقتلنک قال انما

یتقبل الله من المتقین لئن بسطت الی یدک لتقتلنی ما انا بباسط یدی الیک

لاقتلک انی اخاف الله رب العالمین انی ارید ان تبوء باثمی واثمک

فتکون من اصحاب النار وذلک جزاء الظالمین فطوعت له نفسه

قتل اخیه فقتله فاصبح من الخاسرین ... یا منتقم

نوع دیگر هر یوم چهار صد مرتبه بگویند یا دافع یا جبار یا صانع یا قهار

بجهت [illegible] این اسم را چشم گشاده بنویسد بگذارند و بر طرف خانه مطلوب بر بالا بند یا بپزند

بچسبانند و سوره یس را بگویند و میخ را در چشم میم در میان دو نی بزنند و مطلوب را طلب کنند

هرگاه آمد خوب اگر نیامد میخ را که در میان عین [illegible] چشم زنند و شروع به [illegible] یس نماید

بطریق مذکور هرگاه آمد خوب و [illegible] این میخ را بکشد در میان [illegible] بزنند و یس سوره

بگویند البته بیاید و آن اسم این است یا [illegible]

و در وقت خواندن یس بکلمه مبین که رسید [illegible] مطلوب [illegible] این نوع [illegible]

[illegible] العجل العجل الساعة الساعة

اگر جواهر در میان و کسی [illegible] و محبت [illegible] باید [illegible] خوب رفته در [illegible] خط [illegible] کنند

و میخ و سنگ در آتش حاضر داشته باشد و سوره یس را هفت مرتبه بگویند و در [illegible]

میخ فولاد [illegible] قدری فرو برد تا ختم بهفتم تمام میخ مزبور [illegible] با تمام [illegible]

[illegible] و هر نوبت که میخ را بگوید بگوید [illegible] از حق [illegible] که [illegible]

بهم رسد [illegible] و این آیه را در میان خط بنویس فاصابها اعصار

فیه نار فاحترقت [illegible] بگو هزار [illegible] سنگ از دیواری که رو بقبله باشد و بر هر یک

که بر یکی [illegible] صلوات بنویسد و در روز آدینه هزار یک بار [illegible] اللهم بر آن سنگ ها بگویند

و در آتش [illegible] هر که سوره القارعه [illegible] بگویند [illegible] و [illegible] سنگ در [illegible]

و در جامه [illegible] و با خود دارد [illegible] بیاید اگر نیاید آن سنگ را در آتش اندازد و در [illegible]

عزم وطن کند ختم سوره قل هو الله احد هر که [illegible] این سوره [illegible] بگوید

بگوید [illegible] هر کس [illegible] کرد [illegible] دوازده مرتبه بگویند [illegible] دست [illegible]

[illegible] محتاج نگردد در روز [illegible] بنویسد [illegible] در قدح [illegible] بخورد شفا یابد [illegible]

بنویسد با خود دارد [illegible] روی [illegible] در [illegible] بگویند [illegible]

هر که [illegible] در روز جمعه [illegible] بخواند [illegible] بگویند [illegible]

[illegible] باید

کوبید شفا یابد اگر خواهی پسر از زن حاصل شود آواز بگیر رشته سفید ریزه سیاه گوید نه گره

و بر نام خانه نویس انداز بسم الله الرحمن الرحیم ولو لنشاء لطمسنا الخ ایه ولو نشاء لمسخنا

المی از حضرت رسول صلی الله علیه و سلم روایت است که هر کس در روز پنجشنبه چهار رکعت نماز بگذارد بیک سلام

و در رکعت اول بعد از حمد سوره اخلاص یازده مرتبه و در رکعت دوم بعد از حمد سوره اخلاص و معوذتین

و در رکعت سیوم بعد از حمد آیت الکرسی مرتبه و در چهارم حمد یکمرتبه بعد از سلام هفتاد یکمرتبه صلوات

و سر به سجده بگذارد و یا الله صد مرتبه و دعا کند هر چه خواهد البته آن حاجت بر آورده شود جعفر از نوشتن

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

این نماز مجرب باشد بجهت آواره که بجهت گم شده نویسد در خانه گم شده دفن کنند

از جهت بغض و عداوت این مثلث را بنویسد و در خانه کفش دفن کند اسم را

بنویسد جهت بغض و عداوت از کسی آب بدهد و در خانه

نشانه دفن کنند

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

باب دیگر هر که سه روز

هر روز سه نوبت این دعا

گوید و بر خانه جمعه هر گز

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

و بر پشت او حمل و مشیع نویسد بسم الله الرحمن الرحیم

یا الله یا الله یا الله یا رب یا رب یا ذو الجلال و الاکرام یا ارحم الراحمین

یا قیوم اسئلک باسمک العظیم ان توسع رزقی و سهل اجلا الا طیبا

برحمتک یا ارحم الراحمین جهت آواره بنویس با که نمودن دفن کن انا نحن نحیی

الموتی و نکتب ما قدموا و آثارهم و کل شیء احصیناه فی امام مبین

و ما علینا الا البلاغ المبین انی اذا لفی ضلال مبین و اذا قیل لهم انفقوا

مما رزقکم الله قال الذین کفروا للذین آمنوا انطعم من لو یشاء الله اطعمه

ان نتم الا فی ضلال مبین جه آوارة که بر یا اذا زلزلت الارض بسوره

وسوره الم ترکیف سوره مقطع الحروف بنویسد ودر مقام انکس دفن کند واگر وقت

انوار ادر اول تقدیم کند زود اثر نماید با مثلث که دعای ... ... در ... ل

که ... و ... داده بگوید با نام ... نام مادر ... ... شخص ... کرده ...

بسته گردد ... ... سه بار

دعای سوره ... سه عدد ...

از آورده ... ... سه بار

رسید ... ... سوره

سوره ... ... الم

حتی اذا اتوا علی

واد النمل قالت نملة

یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم لا یحطمنکم سلیمان وجنوده وهم لا یشعرون

بتکلمون	فهم لا	عمی	صم بکم
عمی	صم بکم	بتکلمون	فهم لا
صم بکم	عمی	فهم لا	بتکلمون
فهم لا	بتکلمون	صم بکم	عمی

... ... در ... ...

خود نگاه دارد ... ...

از ... ...

بکرد ... ...

الرحیم ۲۰۱ بی	الرحمن ۱۰۸ بی	الله ح ۱۰ بی	بسم سا ۱۰ بی
بسم سا ۱۰ بی	الله ح ۱۰ بی	الرحمن ۱۰۸ بی	الرحیم ۲۰۴ بی
الرحمن ۱۰۸ بی	الرحیم ۲۰ بی	بسم سا ۱۰ بی	الله ح ۱۰ بی
الله ح ۱۰ بی	بسم سا ۱۰ بی	الرحیم سا ۱۰ بی	الرحمن ۱۰۸ بی

... ... باشد

وان ... ...

باشد و ... ...

... ... سوره تبت

... ... بخواند

... ...

بسم الله تبت یدا ابی لهب وتب ما اغنی عنه ماله وما کسب

سیصلی نارا ذات لهب احرقت قلب ... لا یکون صبرا

واللہ ...

ولا قرارا ولا اکل ولا شرب ولا ینام علی محبة فلان ابن فلان بحق

وامرأته حمالة الحطب فی جیدها حبل من مسد اگر خواهی که دل اهر کس [illegible]

اندازی [illegible] هر کدام [illegible] بردار و سوره والعادیات [illegible]

[illegible] بسم الله [illegible] سوره لم یکن [illegible]

[illegible]

دفع تب و لرز در وقت [illegible]

آهن [illegible] اول [illegible] دفع شود [illegible]

[illegible] دفع شود [illegible] قال الشیخ الاجل البونی

فی شمس المعارف لصورة لا اله الا الله محمد رسول الله علیا ولی الله

فی کل یوم ولیلة اربع وعشرین الف مرة الی مدة خمسة عشرة یوما [illegible]

[illegible]

دنیا را [illegible]

فی [illegible] جمعه میان شام [illegible] دو رکعت نماز [illegible]

[illegible]

و بعد [illegible] چهار صد [illegible]

یا مولانی یا فاطمة اغیثینی طریقه ختم چهار ضرب از [illegible] است

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] یا عزیز [illegible]

جهت قضای حوائج

و اکر کسی این دعا را با خود دارد صعوبتها اکفنی شرها فانک الکافی المعافی اللهم ذلل صعوبتها و اکفنی شرها فانک انت الکافی

الغالب القاهر و بعد بر بردارد شروع که بکو انسان جهار ضرب سطر تقریر که قسم کرده است

اللهم العن عمر ثم ابا بکر و عمر ثم عثمان و عمر ثم عمر ثم عمر ثم عمر طرا تقدیم

آیه الکرسی جهل و یک روز هر روز وقت طلوع آفتاب جهل بار و وقت غروب

جهل و یک بار بخوانند برای جمع مهمات و حاجتها مجربست هر زمان که ترسش کم باشد

این دعا را با خود بردارد و ان من الحجارة لما یتفجر منه الانهار و ان منها

لما یهبط من خشیة الله و ما الله بغافل عما تعملون هرگاه که در خطر در

این کلمات را بگوید یا رب انت تعلم حاجتی و انت قادر علی فرجی و خلصنی

من هذه الورطة یا رجائی بحق محمد و آله نوعی از دل مرد بسته بر سر نام کم مرغ

کنده بنویسد بخورد اول حتی اذا رکبا فی السفینة خرقها و بر دیگر بنویسد

اولم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما

و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و بر سیم نویسد فاستغلظ

فاستوی اولی را بخورد پس و النفر دوم را بخورد و آن سیم را بخورد اگر خواهی که

۲ طبیع حفظ کرد این آیات بنویسد بمشک و زعفران و بدهد و شب بدرزد لین

بخورد و روز بیاورند بنوشند قرار و بی آرام باشد از شوره و غیره و من الناس

من یتخذ من دون الله اندادا یحبونهم کحب الله و الذین امنوا اشد حبا لله و لو یری الذین

ظلموا اذ یرون العذاب ان القوة لله جمیعا و ان الله شدید العقاب فسیکفیکهم الله

و هو السمیع العلیم و الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم ایاک نعبد و ایاک

نستعین اللهم الف بین قلوب فلان ابن فلان کما الفت بین اسمعیل و یوسف

علیهما السلام و امراة العزیز تراود فتیها عن نفسه قد شغفها حبا انا لنریها

جهت برآمدن حاجات اعتقاد روز هر روز بعد نماز صبح سوره الم نشرح اگر بخواند بیک

حرف زند بگوید در هر عقب هر نماز مجربست اگر که خواهد مبدل در کس حوائج برآورده

بازرسیم

باب بیستم در دفع اقسام تب و در این باب چند فصل است فصل اول در دفع تب از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را تب گرفت جبرئیل از جانب حق تعالی بخدمت آنحضرت آمد و این
افسون را برای او خواند در ساعت تب او بریده شد بسم الله ارقیک بسم الله اشفیک
بسم الله من کل داء یعنیک بسم الله والله شافیک بسم الله خذها
فلتهنیک بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرئن باذن الله تعالی
و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که این تعویذ نیست برای هر تبی که بر پاره کاغذ بنویسد و بخواند و بر او بندد حق تعالی
شفا بخشد بحول و قوه خود ... یا رب الله یا ... لا اله الا الله ... الملوک جبار السموات
و الارض اشفنی و عافنی من دائی هذا فانی عبدک و ابن عبدک اتقلب فی قبضتک و ناصیتی بیدک ایضا
در حدیث آمده که شخصی بخدمت امام جعفر صادق ع آمد و شکوه کرد از تب حضرت فرمود ... که تب میکشیم
و آنچه اطبا گفته اند بعمل آوردم و برطرف نشد حضرت فرمود که بند های پیراهن را بگشا و سر در گریبان
پیراهن داخل کن و اذان و اقامت بگو و هفت مرتبه سوره حمد و توحید و معوذتین را بخوان آن شخص
گفت چنین کردم گویا از بندی رها شدم ایضا در روایتی دیگر آمده که بیمار سر در گریبان جامه خود کند
و اذان و اقامت بگوید و سوره حمد و توحید و معوذتین را بخواند و بگوید اعیذ نفسی بعزة الله و قدرة
الله و عظمة الله و سلطان الله و جلال الله و جمیع الله و برسول الله و بعترة رسول الله صلی الله علیه و آله و بولاة امر الله من شر
ما اخاف و احذر و اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم ...
اللهم اشفنی بشفائک و داونی بدوائک و عافنی من بلائک و در حدیث دیگر فرموده که سوره حمد و معوذتین را
و توحید و قدر و آیة الکرسی را بخوان و بانگشت شهادت بر پهلوی بیمار بنویس اللهم ارحم جلده الرقیق و عظمه الدقیق
من سورة الحریق یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله و الیوم الآخر فلا تأکلی اللحم و لا تشربی الدم و لا تفوری من الفم

دعای تب

ولا تنهکی الجسم ولا تصدعی الرأس و انتقلی عن فلان ابن فلانه نام مریض و مادرش بنویسد الی من یزعم ان مع الله

الهاً آخر لا اله الا الله تعالی الله عما یشرکون علواً کبیراً ایضاً حرز حضرت فاطمه علیها السلام که بسلمان فارسی را

تعلیم نمود و گفت پدرم صلوات الله علیه بمن آموخت و فرمود که اگر خواهی در دنیا تب از تو نرسد بر این

مواظبت نمای و سلمان گفت که این دعا را ... به بیش از هزار نفر تعلیم کردم و همه تب داشتند و ببرکت این دعا

نجات یافتند حرز این است بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم الله نور النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذی هو مدبر

الامور بسم الله الذی خلق النور من النور الحمد لله الذی خلق النور من النور و انزل النور علی الطور فی کتاب مسطور فی

رق منشور بقدر مقدور علی نبی محبور الحمد لله الذی هو بالعز مذکور و بالفخر مشهور و علی السراء و الضراء مشکور و صلی الله علی محمد

بجهت تب بر سه قطعه کاغذ نویسند

و آله الطاهرین ایضاً بخط حضرت امام رضا علیه السلام یافتند که نوشته بود بجهت تب بر سه قطعه کاغذ بنویسد و تب دار

هر روز یک قطعه را در صبح ناشتا ببلعد و اگر نوبت بود هر یک از آن قطعه سوره توحید را بخواند بعد از

بسم الله لا تخف انت ... علی ... بسم الله لا تخف نجوت من القوم الظالمین بسم الله الا له الخلق و الامر

ایضاً لرزانی تب

تبارک الله رب العالمین ایضاً در بعضی از کتب معتبره منقولست که بجهت تب این تعویذ را بنویسد و بر بازو بندد

و بعد از بسمله سوره فاتحة الکتاب تا آخر بنویسد بعد از آن بنویسد بسم الله ... اعوذ بکلمات الله التامات

کلها التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما خلق و ذرأ و برأ و من شر الهامة و العامة و اللامة و من شر

طوارق اللیل و النهار و من شر فسقة العرب و العجم و من شر فسقة الجن و الانس و من شر الشیطان و شرکه و من شر کل

دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم ربنا علیک توکلنا و الیک انبنا و الیک المصیر ... و دعا را

دارو ... فلان ابن فلان ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا

ربنا و لا تحمل علینا اصراً کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به و اعف عنا و اغفر لنا

و ارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین ... الا هو ... الحی القیوم

وسیح مجرب کفی به نوبت عیالی خبیراً بصیرا لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده صدق وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب

نوع دیگر

وحده لا حول ولا قوة الا بالله کتب الله لاغلبن انا ورسلی ان الله قوی عزیز ان حزب الله هم الغالبون

ومن یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین نوع دیگر که در مکارم آورده

که بر سه قطعه کاغذ بقلم خیزران که نتوان خوانده بنویسد و آنها را به ... هر روز ناشتا بخورد

یکی از آنها جمع نماید بسم الله ذی القرآن والذکر ... طریقه دیگر ... هر روز ... را بخورد

و آل عقدت باذن الله ... سکنت باذن الله نوع دیگر از همه معصومین علیهم

که بر ورق آهو نویسد و بر صاحب تب بندد ... اللهم انی اسئلک بعزتک وقدرتک وسلطانک وما جری

به علمک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تسلط علی فلان ابن فلانة ... مما خلقت ... جلد

... من ... اللهم ... من جهنم ...

آمنت بالله العظیم ان لا کل لفلان ابن فلانة لحما ولا ... عظما ولا ... علیه

ولا ... ان ... شعره وبشره ولحمه ودمه ... من یزعم ان مع الله الها آخر لا اله الا الله

در بحر المنافع

سبحانه وتعالی عما یشرکون و در بحر المنافع ... همین طور بیان نموده که گفته‌اند که هر تبی که آغاز او

در خلاصة التجارب

در بلغم است هر چه در میان روز ... و هر تبی که وقت ... آید ... که نصف شب آید

از باد ... خلاصة التجارب ... رسیده ... باشد ...

بشکند ... آن ... و ... قبل از طلوع آفتاب ... کسی تکلم

نوع دیگر

کردن برای ... این طریق بنویسد اول بسم الله ... و هر روز ناشتا ...

یکی را بخورد نوع دیگر ... در صباح روز چهارشنبه قبل از آنکه با کسی سخن کند بنویسد بسم الله

الرحمن الرحیم ... فلان ابن فلان ... محمد رسول الله ...

... که دختر ... رشته ببندد ... ریسمان ... و در خاکستر ... کند ...

محموم بر روز ناشتا بخورد و سفیده از آن سنگ چهار چشم به هر جنبیدن تب ... و پوست های آن را در آب ... بر آن

فرو اندازد و بجهان خیت و ریسمان را بر بازوی راست محموم بندد شفا یابد نوع دیگر محمد بن الحسن الصفار روایت

کرده که گفت مولای خود امام جعفر صادق علیه السلام گفتم دعائی تعلیم کن که تب دارم آن حضرت پرسید که سبب چیست گفتم

حزین می شوم گفتم ای مولای من تب دارم فرمود که هرگاه یکی از شما را تب گیرد تنها بخانه رود و دو رکعت نماز بکند

و دعا بسیار است و پس رخسار را بر زمین نهد و بگوید ده مرتبه یا فاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله استشفع الله بک شفا یابد

... یابد و نوع دیگر که آزموده شده است و مجرب است و این نوع را بنویسد و در زیر سر صاحب تب نهند تب از دنگ

کهف اما معالجه حمی اللیل بسم الله الرحمن الرحیم ام حسبت ان اصحاب الکهف

والرقیم کانوا من آیاتنا عجبا اذا اوی الفتیة الی الکهف فقالوا ربنا

آتنا من لدنک رحمة و هیئ لنا من امرنا رشدا در سوره کهف را بنویسد

و در زیر سر کسی که شب تب کند بگذارد تب او زایل شود ان شاء الله فصل دوم در معالجه تب ربع

و عفن و قشعریره و تب سرد انرا لرز گویند اما معالجه تب ربع منقول است که این آیه را بنویسد و برو

بندد و در نسخه دیگر زعفران نویسد و به آب بخورد شفا یابد قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و ارادوا به

کیدا فجعلناهم الاخسرین طریق دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که بر دست

راست او بنویسد بسم الله جبرئیل و بر دست چپ بنویسد بسم الله میکائیل و بر پای راست بسم الله اسرافیل

و بر پای چپ او بنویسد فلا یردن فیهاشمسا و لا زمهریرا و در میان کتف او بسم الله العزیز الجبار

حضرت فرمود اگر کسی سنگ آورد نفع نمی کند بردارد مگر اینکه خدا تقدیر کرده باشد و آن بهترین کسی است

با طهارت باشد در اثنای نوشتن تا شفا حاصل شود نوع دیگر از روش روایت شده که

مردی بخدمت امام رضا علیه السلام آمد حضرت پرسید که ترا چه میشود که رنگ تو زرد و متغیر است عرض

نمود که تب ربع دارم بمن علاج بفرما حضرت دوات و قلم طلبید و بر کاغذی نوشت بسم الله الجبار الجبد ... حفظ

عن فلان بن فلانه باذن الله تعالی و در زیر آن نوشت خاتم سلیمان هفت مرتبه بسم الله ...

...